

# تأمین و تضمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی ضرورت حیاتی دارد

در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب

قبل از آنکه بحث درباره طرح قانونی «تشکیل جمعیتها و احزاب» را آغاز کنیم، تذکر چند نکته را ضرور میدانیم: نخست آنکه پیدایش احزاب و سازمانهای

سیاسی يك روند عینی در جریان رشد جامعه است، که آنرا یا تمایلات و خواستهای ذهنی -بهرصورتی بیان و یا تدوین کرد- نمیتوان متوقف کرد. اگر

میتوان مثلا انقلابات را، که يك روند عینی است، متوقف کرد، میتوان از پیدایش احزاب و سازمانهای سیاسی نیز جلوگیری کرد. در يك جامعه طبقاتی،

احزاب و سازمانهای سیاسی، مولود خواستهای طبقاتی گروهها و اقشار و طبقات اجتماعی هستند که این سازمانهای سیاسی را برای پیشبرد اهداف خود بوجود

می آورند. اهداف طبقاتی و اقشار و گروهها نیز بر حسب مواضع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی آنان در جامعه شکل میگیرد. پیدایش احزاب در جامعه، تا

وقتی که در آن طبقات، اقتدار و گروههای اجتماعی وجود دارند، ناگزیر است. طبقات محسوس، بخصوص به سازمانهای سیاسی بقیه در صفحه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۶۱  
شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با  
۲۹ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵۰۱۸۵

## امام خمینی: زبانهای غیر متعهد اشخاص دارند دیکتاتوری می کنند و می خواهند روحانیت را و جمهوری اسلامی را تضعیف کنند

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران روز پنجشنبه ۱۴ اسفند ۵۹، در حضور گروهی از روحانیون که عازم جبهه های جنگ بودند، عده ای از سربازان منقشی خدمت سالهای ۵۳، ۵۴، ۵۵ و ۵۷ و نیز مسئولین تدارکات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در مراسم کشور، سخنان مهمی ایراد کردند.

امام خمینی در سخنان خود به شرکت موثر روحانیون در امور سیاسی، اجتماعی و جنگی اشاره کردند و درباره توطئه ای که برای جدا کردن روحانیت مبارز از سیاست در جریان بوده و هست، هشدار دادند.

امام خمینی گفتند: «اگر خدای نخواست شما (روحانیون و دانشکاهیان) اصلاح تشویب و یا منزوی بشوید، مملکتان و کسانی که می توانند در مملکت کاری کنند، منزوی خواهند شد و قدرتهایی که منافع خودشان را از دست داده اند، به میدان خواهند آمد و یک حکومت وجه المله می آرند روی کار، و آن حکومت وجه المله، تمام چیزهای ما را به باد فنا خواهد داد.»

امام خمینی همچنین ضمن اشاره به تبلیغات ضد انقلاب در مورد «دیکتاتوری آخوندی» و «دیکتاتوری روحانی» مردم را به هوشیاری و بیداری دعوت کردند و از جمله گفتند: «اگر دیکتاتوری معنی اش اینست که

احقاق حق مظلوم را از ظالم می کنند و اگر دیکتاتوری معنی اش اینست که در دادگاه امثال نصیری ها را از بین می برند، این چیزی است که اسلام کرده است و امری است که با امر اسلام انجام می گیرد و اگر دیکتاتوری معنی اش اینست که تحمیل به ملت چیزی را می خواهند بکنند، می خواهند با قدرت ملت را آزار بدهند و مقاصد خودشان را انجام بدهند، این يك دروغ واضح است که باید مردم از اشخاصی که اینها را می گویند، بگیرند آنها را، و از شان بپرسند که این کدام يك است؟ و چه کرده است؟ و چه کار دیکتاتوری انجام داده است؟ تا بفهمند ریشه این مطلب از کجاست.»

امام خمینی افزودند: «آیا رئیس مجلس ما يك دیکتاتور است و دارد دیکتاتوری می کند؟ یا مقامهای دیگری که در کشور ما هستند؟ کدام يك از آنها مشغول دیکتاتوری هستند؟ یا زبانهای غیر متعهد اشخاص دارند دیکتاتوری می کنند و می خواهند روحانیت را تضعیف کنند و جمهوری اسلامی را تضعیف کنند.»

**لئونید برژنف:**  
آنچه میتواند راهگشای جامعه بشری بسوی فردا باشد، کوشش در راه تحکیم صلح است و نه تلاش برای تهیه مقدمات جنگ

کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی در بیست و سوم فوریه سال ۱۹۸۱ (۴ اسفند ۵۹) در مسکو گشایش یافت.

لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب، در این کنگره گزارشی را زیر عنوان «گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و وظایف آینده حزب در زمینه سیاست داخلی و خارجی» ایراد کرد. از نظر اهمیت، خلاصه این گزارش را به نظر خوانندگان نامه «مرد» می رسانیم:

## « لایحه قصاص » و صلۀ ناجور بر پیکر جامعه انقلابی ما

تهدیب اخلاقی انسانهای خاطی و گمراه و مخالف با هدف سالم سازی جو جامعه، و بهیچ رو نمی تواند به نیازهای جامعه متحول و انقلابی ما پاسخ گوید.

جامعه بشری، در سیر تحول و تکامل خود بسوی مراحل عالیتر، برای حل مشکلات خود، همواره شیوه های نوینی اندیشیده است. این شیوه های نو منطبق با مقتضیات زمان و مکان و سیر جامعه از ساده به بفرع است. اگر روزی بشر با تیر کمان و سیر در برابر دشمن از خود دفاع میکرد، امروز با هواپیما و توپهای ضد هوایی از خود دفاع میکند. اگر روزی مسئله گرسنگی را با کشت گندم حل میکرد، امروز هزاران ماده غذایی برای رفع جوع در مغایر با هدف ارشاد و تربیت و

اخیرا دولت «لایحه قصاص» را برای تصویب به مجلس تقدیم کرده است. بی آنکه قصد تحلیل و بررسی يك يك مواد این لایحه ۸۰ ماده ای را داشته باشیم، که کاری است بی ثمر، یادآور می شویم که لایحه مشتمل بر دو بخش «قصاص نفس» و «قصاص عضو» است، که در مورد اول به «ولی دم» حق داده میشود که با اجازه «ولی مسلمین»، شخصا یا با تعیین وکیل، قاتل را به قتل برساند و در مورد دوم مصلوم، با اجازه حاکم شرع، حق دارد همان جرح و یا نقص عضو را در جسم ضارب ایجاد کند.

«لایحه قصاص» صرف نظر از آنکه زن را «نیمچه انسان» به حساب آورده و ارزش زندگی و شاهد بودن او را نصف ارزش زندگی و شاهد بودن مرد دانسته، و این خود برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی است، که بر رفع تبعیض و برابری کلیه افراد ملت در مقابل قانون تأکید دارد؛ صرف نظر از آنکه حقوق مرد مغیره-

## پیام شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کار سوسیالیست

بمناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری «حزب کمونیست سوئیس» ۱۵ اسفند ۱۳۴۹ (از سال ۱۳۲۲: «حزب کار سوئیس») کمیته مرکزی حزب کار سوسیالیست رفقای گرامی!

صمیمانه ترین شادباش های حزب توده ایران را بمناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری «حزب کمونیست سوئیس» بپذیرید.

فرست را غنیمت می شمیریم و، ضمن تجدید همبستگی خود با کمیته های سوئیس و مبارزان فخر آفرین شصت ساله آنها، گامیهای بیشتر حزب کار سوسیالیست را در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، پس گردگی امپریالیسم آمریکا، و ارتجاع و در راه صلح، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی خواستاریم.

با درودهای رفیقانه  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
دبیر اول: نورالدین گیانوری

لئونید برژنف در بخشی از سخنان خود به مسائل بین المللی اشاره کرد و گفت: «آنچه میتواند راهگشای جامعه بشری بسوی فردا باشد، کوشش در راه تحکیم صلح است و نه تلاش برای تهیه مقدمات جنگ، که موجب اتلاف نیروهای مادی و معنوی ملتها میگردد.»

لئونید برژنف برای رفع خطر بروز جنگ و تحکیم امنیت بین المللی يك سلسله پیشنهاد های تازه مطرح کرد. لئونید برژنف گفت: «اتحاد شوروی قبلا هم پیشنهاد کرده بود که دایره اقداماتی که هدف از آن تقویت روح اعتماد بین طرفین در زمینه مسائل نظامی، نظیر مطلع کردن طرف از مانورهای زمینی، دریایی و هوایی و همچنین نقل و انتقالات نیروهای نظامی است، گسترش یابد و اکنون ما پیشنهاد میکنیم که این اقدامات باز هم وسعت گردد. ما حاضریم تمام بخش اروپائی اتحاد شوروی را مشمول این اقدامات قرار دهیم، بشرطیکه کشورهای غربی نیز منطقه مربوط به خود را بصورت متقابل گسترش دهند.»

## دشمن واقعی، آمریکای جنایتکار است

مراسم نماز جمعه این هفته نیز با حضور گروه انبوهی از نمازگزاران دردانشگاه تبران برگزار شد. در این مراسم محسن رضائی عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب در سخنانی، بیستی از خطبه های نماز، ضمن اشاره به توطئه ها و دسائیس امپریالیسم آمریکا برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تأکید کرد که امروز مسئله ما مسئله امریکاست و «شعار، شعار مرگ بر امریکاست.»

محسن رضائی در آغاز گفت: «آمریکا و صهیونیسم بین المللی چه مصلحت و چه منافع بزرگی در ایران دنبال می کنند و قصد داشتند ایران را بعنوان پایگاهی که کشورهای خلیج و یکی از مهمترین عناصر دفاعی و نظامی آمریکا در کمر بند نظامی که بدور شوروی چیده بود، از ایران استفاده کنند. وی با اشاره به توطئه امریکا برای روی کار آوردن يك دولت «میانبر» قبل از پیروزی انقلاب گفت: «(بختیار) آغازی بود برای اینکه (آمریکا) يك دولت میانبر روی را بر سر کار بر سرده است:»

«در جبهه های آبادان و خوتین- شبر مواضع نیروهای ارتش عراق، همچون گذشته، زیر آتش توپخانه و سلاح های سنگین نیرو- های دلاور ما قراز داشت، که در

لئونید برژنف در بخشی از سخنان خود به مسائل بین المللی اشاره کرد و گفت: «آنچه میتواند راهگشای جامعه بشری بسوی فردا باشد، کوشش در راه تحکیم صلح است و نه تلاش برای تهیه مقدمات جنگ، که موجب اتلاف نیروهای مادی و معنوی ملتها میگردد.»

لئونید برژنف برای رفع خطر بروز جنگ و تحکیم امنیت بین المللی يك سلسله پیشنهاد های تازه مطرح کرد. لئونید برژنف گفت: «اتحاد شوروی قبلا هم پیشنهاد کرده بود که دایره اقداماتی که هدف از آن تقویت روح اعتماد بین طرفین در زمینه مسائل نظامی، نظیر مطلع کردن طرف از مانورهای زمینی، دریایی و هوایی و همچنین نقل و انتقالات نیروهای نظامی است، گسترش یابد و اکنون ما پیشنهاد میکنیم که این اقدامات باز هم وسعت گردد. ما حاضریم تمام بخش اروپائی اتحاد شوروی را مشمول این اقدامات قرار دهیم، بشرطیکه کشورهای غربی نیز منطقه مربوط به خود را بصورت متقابل گسترش دهند.»

## گفتگوهای سرکردگان ضد انقلابیون افغانی در واشنگتن

«واگذاری موشک های زمین به هوا به «مبارزان» افغانی از راه پاکستان»

خبرگزاری فرانسه از لندن گزارش میدهد که دولت ریگان «آرام آرام» واگذاری سلاح را به ضد انقلابیون افغانی «بشکل علنی» تبدیل می سازد؛ لرد یتول، نماینده بریتانیا در «پارلمان اروپا» در مساجبه ای با «سائدی تایمز» به این امر اعتراف کرده است.

لرد یتول، که پس از سفری کوتاه به ایالات متحده آمریکا، به بریتانیا بازگشته است، از دیدار سرکردگان ضد انقلابیون افغانی با مقامات رسمی واشنگتن و گفتگوهای آنها با امون واگذاری

بقیه در صفحه ۷

## در عملیات نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران علیه متجاوزان، خسارات سنگینی به نیروی دریایی عراق و سکوهای نفتی البکر والامیه وارد شد

نتیجه ۹ تانک، ۴ خودرو، ۴ انبار مهمات يك قبضه تفنگ نیمه سنگین ۱۰۶ میلیمتری با جیب حامل آن و بیش از هسنگر اجتماعی و دیده بان و چند منطقه تجمع دشمن منهدم و عده ای از

بر شمرده است: «در جبهه های آبادان و خوتین- شبر مواضع نیروهای ارتش عراق، همچون گذشته، زیر آتش توپخانه و سلاح های سنگین نیرو- های دلاور ما قراز داشت، که در

خدمات این تجهیزات و وسایل نابود شده و کشته و زخمی شده اند. در عملیات روز ۱۳ و ۱۴ اسفند ۵۹ نیروهای عراقی تاسیسات غیر نظامی و مناطق مسکونی شهر آبادان

بقیه در صفحه ۸

لئونید برژنف افزود: «اتحاد شوروی آماده است درباره اقداماتی که بتواند به تقویت روح اعتماد در خاور دور کمک کند، با کلیه کشورهای ذینفع وارد مذاکره شود. اتحاد شوروی آماده است در مورد جوانب بین المللی مسئله افغانستان، چه به صورت يك مسئله مجزا و جداگانه و چه در ارتباط با مسائل امنیت خلیج فارس، وارد مذاکره شود. بدیهی است که این مذاکرات تنها میتواند بقیه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### در چارچوب قانون اساسی...

بقیه از صفحه ۱

نیاز بیشتری دارند، زیرا در داخل آرگانسم پیچیده جامعه امروزی تنها سازمانهای سیاسی (نه یک نفر و دوفت - هر قدر هم مطلع و مدیر باشند) هستند که از توانایی عبور از پیچ و خم حوادث و طرائف سیاست و انتخاب بهترین راه برای پیشبرد اهداف این طبقات محروم برخوردارند. علاوه بر این، در دنیای امروز که جهان هرچه بیشتر به یکدیگر نزدیک میشود و حوادث سیاسی داخلی را پیچیده نمیتوان چنان از حوادث جهان بررسی کرد، تنها احزاب سیاسی، مجهز به کارهای ورزیده و وارد مسائل کلی جهانی هستند که میتوانند با تجزیه و تحلیل هر حادثه و بررسی جوانب مختلف و تأثیرات داخلی و خارجی آن، تصمیمات لازم را اتخاذ کنند. خلاصه اینکه، سیاست هم مانند شیمی، فیزیک، پزشکی و غیره یک رشته علمی شده است و احزاب سیاسی آزمایشگاه تجربی و پژوهشی و نتیجه گیری از علم سیاستند. در تاریخ جامعه بشری، روزگاری رابطه ساده، کشورها پراکنده، تأثیرات جوامع در یکدیگر ناچیز بود و مثلاً یک کدخدای یا یک وزیر دوراندیش نمیتوانست مسائل روستای دولت خود را حل کنند. امروز مسائل سیاسی را جز با سازمانها و احزاب سیاسی نمیتوان حل کرد. هر قدر احزاب سیاسی کاملتر، باتجربه تر و صاحب کارهای سیاسی ورزیده تر باشند، بهتر میتوانند برای مسائل اجتماعی پاسخ لازم را بیابند. بنابراین، جلوگیری از پیدایش احزاب سیاسی، اولاً ممکن نیست، ثانیاً کارشکنی در فعالیت آنان بضرر جامعه و عیناً مانند بستن یک کلینیک یا آزمایشگاه و غیره است، البته بمقیاسی بسیار زیانبارتر، زیرا عواقب بسیار وخیمتری را نیز بدنبال دارد. مخالفت با فعالیت احزاب همیشه محتوای لطیفاتی داشته است. هر طبقه ای، با قدغن کردن حزب طبقه مخالف، خواسته است متفکر آن طبقه را از بین ببرد. پنهانها هر چه باشند، نفس امر جز این نیست، ظاهر هر چه باشد، باطن جز این نیست. اینست که رضاشاه و محمدرضا شاه با احزاب مخالف سلطنت و دموکرات و قبل از همه با احزاب کارگری مخالف بودند و هر وقت دستان رسید، آنها را قدغن کردند، تا جائیکه کار به تشکیل حزب واحد «رستاخیز» رسید، حزبی که چیزی جز فنک در تاریخ احزاب ایران باقی نگذاشت.

اما سیاست سرکوب توانست قانونمندی عینی رشد اجتماعی ایران را متوقف کند و فنک حزب را، که همه دستگاه تبلیغاتی شاه ملعون بر ضد آن تبلیغ میکردند، از بین ببرد. گروهها و احزاب سیاسی نه تنها از بین نرفتند، بلکه تحزب حتی به قشرهایی از جامعه ایران مانند روحانیون، که سابقاً بکلی از تحزب فاصله میکردند، نیز سرایت کرد و اکنون می بینیم که بسیاری از آنان، سازمانهای گوناگون سیاسی خودشان را تشکیل داده اند.

درک صحیح ضرورت مسئله

تحزب، بصورت یک روند عینی جامعه، باید پایه علمی هر گونه بررسی در قانون تشکیل احزاب و گروههای سیاسی قرار گیرد، زیرا هر قانونی، اگر بر این پایه عینی و علمی متکی نباشد، دیر یا زود به کاغذپاره بی ارزشی تبدیل میشود.

لایحه قانونی شورای عالی قضائی، که به نام «قانون تشکیل جمعیتها، انجمنها، احزاب و نظائر آنها» در پنج ماده به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است، با مسئله تحزب برخورد درستی داشته است. در این لایحه گفته میشود که تشکیل حزب «بی آنکه نیازی به تحصیل پروانه رسمی داشته باشد» آزاد است و «اگر بخواهد رسماً شخصیت حقوقی داشته باشد، باید به ثبت برسد» و اگر از حزب «هر نوع کاری که ناقض استقلال، آزادیهای مشروع دیگران، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی و مصالح کشور باشد» سرزد «محاکمه و طبق مقررات تعقیب و مجازات میشود» و در صورت «تکرار تخلفات فوق، دادگاه آنرا غیرقانونی اعلام و از فعالیت آن جلوگیری میکند».

لایحه قانونی فوق، ساده، روشن، بدون ابهام و بدون نقض هیچ یک از اصول قانون اساسی ایران تنظیم شده است.

تلاش برای جلوگیری از فعالیت آزاد احزاب سیاسی، حتی از طریق قانون، مخالف با اصلنیم قانون اساسی است که در آن گفته میشود، هیچ دلیلی، هیچ مقامی، حق ندارد «آزادیهای مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند».

کنجاندن این جمله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی قانونگذاران مجلس خبرگان، با در نظر گرفتن تمام تجربیات شوم دوران گذشته داشتیم و با «قانون» و یا صرفاً بدستور شاه، آزادیهای مشروع را که حق تشکیل تمام افراد در احزاب سیاسی یکی از مهمترین آنهاست، بسادگی از مردم سلب میکردند، صورت گرفته است. حالا اگر «کمیسونی»، «مقرراتی»، «قانونی» بخواهد این حق مشروع را، که در اصل ۲۶ قانون اساسی و اصل نهم بصراحت ذکر شده است، زیر پا بگذارد، مخالفت با اساس جمهوری اسلامی و شیوه حکومت اسلام، است که در مقدمه قانون اساسی آورده شده و در آن گفته میشود: «قانون اساسی تضمین گر نفسی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی میباشد».

مسلم است که تعدد آزادیهای مشروع، بهر شکل و صورتی انجام گیرد، جز در جهت تحصیل «استبداد فکری و اجتماعی» گروهی بر گروه دیگر، طبقه ای بر طبقه دیگر، نمیتواند باشد. در لایحه «قانون احزاب»، که اکنون در مجلس مورد مذاکره قرار گرفته است، بر طرح ساده، روشن و بدون ابهام شورای عالی قضائی، یک سلسله تشریفات و مقررات زائفاً و محدود کننده، که میتواند مورد سوء استفاده برای تحصیل «استبداد فکری و اجتماعی» قرار گیرد و حق داشتن تفکسر سیاسی و فعالیت آزاد سیاسی را

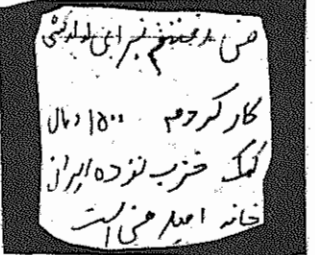
### کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

احمد از رودس ۵۰۰۰ ریال (در شماره ۴۳۵ اشتباهاً صد هزار ریال درج شده بود)

ماهگیری از بندر انزلی ۱۰۰۰ ریال

امیر - منصور از رشت ۱۰۰۰۰ ریال

رفیق ه از ساری می نویسد: من رستم برای لوله کشی کنار کردم ۱۰۰۰ ریال کمک. حزب توده ایران خانه امید من است»



از مردم سلب کند، افزوده شده است. در این لایحه سرنوشت سازمانهای سیاسی یک کمیسون هفت نفری سپرده میشود و آنان هستند که باید «به درخواست متقاضیان» رسیدگی کنند و حق را که قانون اساسی بصورت عام برای تمام مردم قائل شده است، آنان بصورت خاص به آنان بدهند و یا اصولاً ندهند! در لایحه نامبرده مواد دیگری از این قبیل، که یک قوه مجریه مغرض می تواند برای تحمیل «استبداد فکری و اجتماعی» بر مردم سلب حق مشروع از آنان، از آن سوءاستفاده کند، بازم وجود دارد.

مسئله «قانون احزاب» تنها یک مسئله قانونی هم نیست. این مسئله می تواند بصورت بزرگترین مسئله سیاسی جمهوری اسلامی ایران درآید. اگر مقصود از گذراندن «قانون احزاب» تحقق اصول قانون اساسی است، که لایحه شورای عالی قضائی وجود داشت، و اگر مقصود چیز دیگری است، آیا ما در این شرایط، که از هر طرف در معرض هجوم دشمنان انقلاب هستیم، عاقلانه است که خودمان بدست خودمان «قانونی» وضع کنیم که بر تشنج های داخلی کشور بیفزاید و دلیلی بدست دشمنان داخلی و خارجی ما بدهد که، سنگ خودشان بکوبند؟

ما امیدواریم و انتظار داریم که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، با درک عمیق مسئولیت خود در این مسئله حساس و حیاتی، هنگام شور دوم درباره طرح قانونی «تشکیل احزاب و جمعیتها»، اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را درباره تأمین و تضمین بی خدشه آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، راهنمای خود قرار دهند و هر گونه محدودیتی را در این زمینه از بین ببرند و چه بهتر که لایحه شورای عالی قضائی را در این زمینه به تصویب برسانند. ما در مورد ضرورت حیاتی تأمین و تضمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای تحکیم و گسترش انقلاب، به نمایندگان مجلس شورای اسلامی هشدار می دهیم.

### آنچه می تواند راهگشای...

جوانب بین المللی این مسئله را دربر گیرد و نه امور داخلی افغانستان را.

تولید پرژفک سپس به بحث درباره محدود کردن تسلیحات استراتژیک و کاهش انواع آن پرداخت و گفت:

«این مسئله حائز اهمیت فوق العاده است و ما حاضریم مذاکرات در این زمینه را با حفظ تمامی دستاوردهای مثبتی که تاکنون بدست آمده است، بیدرتک با ایالات متحده آمریکا از سر بگیریم. بدیهی است که این مذاکرات فقط میتواند بر اساس برابری و امنیت متقابل انجام گیرد و اتحاد شوروی هرگز به ایالات متحده آمریکا مزایای یک جانبه نخواهد داد و هیچکس نباید در این باره دچار توهمان بی پایه باشد».

ما حاضریم درباره محدود کردن انواع مختلف سلاحها وارد مذاکره شویم. ما قبلاً پیشنهاد کرده بودیم که ایالات متحده از ساختن سیستم موشکی دریائی «تراپدنت» دست بردارد و ما نیز از ایجاد سیستم مشابه آن در کشور خودمان صرف نظر کنیم. امریکائیا پیشنهاد ما را نپذیرفتند و زیر «تراپدنت» ساختند و ما نیز مجبور شدیم سیستم مشابهی بنام «تایفون» بسازیم. ما حاضریم درباره محدود کردن تولید زیردریائیا «اوهایو» و «تایفون» در دو کشور و همچنین درباره انصراف از مدرنیزه کردن موشکهای بالستیک موجود تولید انواع جدید آن، که قابل نصب در زیردریائیا نامبرده هستند، وارد مذاکره شویم.

ما پیشنهاد میکنیم که طرفین از هم اکنون از استقرار سلاحهای میان برد جدید موشکی و هسته ای در اروپا صرف نظر کنند، یعنی سطح موجود این نوع سلاحها، از جمله سلاحهای هسته ای خط مقدم آمریکا در این منطقه، از حیث کمی و کیفی بهمین حال باقی بماند.

ما پیشنهاد میکنیم که یک کمیته ذیصلاح بین المللی از دانشمندان بزرگ کشورهای مختلف جهان تشکیل گردد و ضرورت حیاتی جلوگیری از فاجعه اتمی را بررسی کند.

ما پیشنهاد میکنیم که برای جستجوی راه حل سالم سازی اوضاع بین المللی و جلوگیری از بروز جنگ، اجلاس ویژه شورای امنیت با شرکت سران کشورهای عضو شورا تشکیل گردد. رهبران سایر کشورها نیز، در صورت تمایل، میتوانند در این اجلاس شرکت کنند».

تولید پرژفک افزود: «این پیشنهادهای تازه اتحاد شوروی برای ادامه و بسط برنامه صلح ماست، که حادث ترین و مبرم ترین مسائل بین المللی کنونی را دربر میگیرد».

تولید پرژفک در گزارش خود یادآور شد که: «وظایفی که کنگره قبلی برای حزب تعیین کرده بود، بطور کلی با موفقیت انجام گرفته است».

تولید پرژفک سپس اظهار داشت که: «این وظایف در شرایط مبارزه بین دو سمت مختلف در سیاست جهانی: سمت مبار کردن مسابقه تسلیحاتی، و آزادی ملتها از یکسو، و سمت تشنج فزائی و دامن زدن بمسابقه تسلیحاتی و سیاست تفهید و مداخله در امور داخلی سایر کشورها و سرکوب مبارزات آزادیبخش از سوی دیگر، انجام گرفته است. در سالهای بین دو کنگره، مبارزه انقلابی ملت ها پیروزیهای تازه ای بدست آورده است. گواه این مدعا انقلابهای اتیوپی، افغانستان، نیکاراگوئه و سرنگونی رژیم ضد مردمی سلطنتی در ایران است. در دهه سالهای ۲۰ عملاً امر اتوریتهای استعماری پایان پذیرفت».

تولید پرژفک سپس به بحث درباره مسائل مربوط به همکاری کشورهای سوسیالیستی پرداخت و گفت:

«حزب ما، کمیته مرکزی و دفتر سیاسی آن، در تمام این سالها حداکثر کوشش را در راه تقویت دوستی و همکاری با کشورهای سوسیالیستی بکار بسته اند».

تولید پرژفک افزود: «ما همه با هم سرگرم ایجاد دنیای تازه سوسیالیسم و برقراری روابط تازه عادلانه، برادرانه و برابر بین کشورهایمان هستیم، روابطی که در تاریخ بی سابقه است. روابط اتحاد شوروی با کشورهای عضو جامعه سوسیالیستی، یعنی بلغارستان، مجارستان، ویتنام، جمهوری دمکراتیک آلمان، کوبا، لاوس، موزولستان، لهستان، رومانی، چکسلواکی بر این پایه بنا شده است. ما در زمینه کلیه مسائل عمده پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و سیاست بین المللی وحدت نظر اصولی و استوار داریم. ما این وحدت نظر را، که ثمره

همکاری های مداوم احزاب کمونیست برادر است، دستاورد بزرگ مشترکمان میدانیم.

با آنکه سالهای اخیر را نمیتوان برای برخی از کشورهای سوسیالیستی بلحاظ اقتصادی، سالهای پر ثمر نامید، ولی با این وجود، آهنگ رشد اقتصادی کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی، ظرف ده سال اخیر دو برابر آهنگ رشد اقتصادی کشورهای سرمایه داری بوده و کشورهای عضو شورا همچنان در جرگه کشورهای جهان، که با سرعت زیاد ترقی کرده اند، باقی مانده اند».

تولید پرژفک گفت: «ما مسائلی را که در جریان همکاری کشورهایمان پیش می آید، مشترکاً حل میکنیم و میکوشیم تا بهترین راه حل را برای تملیق هر چه بیشتر منافع هر یک از کشورهای برادر با منافع مشترک جامعه کشورهای سوسیالیستی بیابیم. برای مثال میتوان قیمت گذاری نفت و گاز و سایر مواد خام و کالاهای صنعتی را، که بین کشورهای عضو «شورای همکاری» مبادله میشود، نامبرد، موارد خاصی پیش می آید که باید به کشورهای برادر کمک فوری ابراز داشت، چنانکه در مورد ویتنام در سال ۱۹۷۹ - هنگامیکه در معرض تجاوز وحشیانه پکن قرار گرفت - پیش آمد اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بیدرتک مواد غذایی، دارو، مصالح ساختمانی و وسایل فنی و یتنام فرستادند. همچنین به کامبوجیا، که دارو دسته پول بوت، سرسیردگان پکن، آنرا به ویرانه تبدیل کرده بودند، کمک فوری داده شد».

تولید پرژفک افزود: «اینست معنای اتسار ناسیونالیسم سوسیالیستی، و مردم ما آنرا به خوبی درک و تأیید میکنند».

تولید پرژفک گفت: «کشورهای سوسیالیستی با بسط و توسعه روابط بازرگانی با غرب موافقت و آنرا یکی از عوامل ثبات وضع بین المللی می دانند. لیکن در این مسئله نمیتوان سیاست کشور - های سرمایه داری را نادیده گرفت. آنها غالباً تلاشی میکنند که روابط اقتصادی را به اهم فشار سیاسی بر ما مبدل کنند. انواع و اقسام تحریم ها و محدودیتهای توام با تمیض در زمینه بازرگانی با این یا آن کشور سوسیالیستی گواهی بر این مطلب است».

تولید پرژفک سپس به وقایع لهستان اشاره کرد و گفت: «آنجا که بر اشتباهات و خطاهای سیاست داخلی، توطئه ها و خرابکاریهای امپریالیسم افزوده میشود، زمینه برای گسترش فعالیت عناصر مخالف با سوسیالیسم فراهم میگردد. در لهستان چنین شد و مبنای دولت سوسیالیستی در معرض خطر قرار گرفت».

تولید پرژفک افزود: «کمونیستهای لهستان، طبقه کارگر لهستان، زحمتکشان این کشور می توانند به دوستان و متحدان خود اطمینان کامل داشته باشند، ما کشور برادرمان، کشور سوسیالیستی لهستان را هرگز در مصیبت تنها نمیگذاریم».

تولید پرژفک گفت: «در کنگره قبلی گفته شد که کشورهای سوسیالیستی پیوسته یکدیگر نزدیکتر میشوند. این روند همچنان در حال رشد و تکامل است، لیکن باید دانست که روند نامبرده بمعنای محو خصوصیات ملی و ویژگیهای تاریخی کشورهای سوسیالیستی نیست. و تنوع اشکال حیات اجتماعی این کشورها و سازماندهی اقتصادشان موجب غنای راهها و شیوه های برقراری نظام سوسیالیستی میگردد».

تولید پرژفک سپس به بحث درباره روابط اتحاد شوروی و چین پرداخت و اظهار داشت: «متأسفانه هنوز نمیتوان گفت که در سیاست خارجی پکن تغییرات عمیقی در جهت بهبود این سیاست روی داده است. سیاست خارجی چین همچنان در جهت تشنج فزائی و پهلو به پهلو با سیاست امپریالیسم پیش میرود. هدف ایالات متحده آمریکا و ژاپن و برخی از کشورهای عضو ناتو از گسترش روابط نظامی و سیاسی خود با چین، بهره گیری از سیاست خصمانه چین نسبت به اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی، بسود مقاصد امپریالیستی خودشان است. علت سردی در روابط چین و اتحاد شوروی موضع ما نیست. اتحاد شوروی درصدد رویارویی با جمهوری توده ای چین نبوده و نیست. ما به پیروی از تصمیمات کنگره های بیست و چهارم و بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی مایلیم که روابط خود را با جمهوری توده ای چین، بر اساس حسن همجواری، بنا کنیم. پیشنهاد های ما در مورد عادی کردن روابط بین دو کشور همچنان بقوت خود باقیست و در احساسات دوستی و احترام ما نسبت به خلق چین نیز کوچکترین خللی وارد نشده است».

ادامه نطق تولید پرژفک را در شماره فردا میخوانید.

# نامه سرگشاده سازمان جوانان توده ایران به «شورای انقلاب فرهنگی»

## با بازگشایی دانشگاهها و مدارس عالی بر مبنای نیازها و منافع انقلاب، دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی را سرعت بخشید!

هشت ماه از تعطیل سراسری دانشگاهها و مدارس عالی کشور میگذرد. این مدت، مسئله دانشگاهها به یکی از مسایل حاد و مبهم جامعه بدل گردیده است. با نگاهی کوتاه به عوارض و پیامدهای تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی کشور، با نتایج زیرین مواجه میگردیم:

• تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی، نارضایتی بخش وسیعی از دانشجویان، استادان، کارکنان دانشگاهها، دبیرانهای پشت کنکور و خانوادههای آنان را برانگیخته و، در نتیجه، زمینه مناسبی برای بهره گیری و سوءاستفاده ضدانقلاب فراهم آورده است. ضدانقلاب، لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی از این جوانان رضایی به منظور ایجاد انواع توطئهها و آشوبها بهره میگیرند. توطئه ۲۳دی ۵۹، که نخستین بار توسط سازمان جوانان توده ایران (در اعلامیه مورخ ۲۵ دی ماه ۱۳۵۹) افشاء شد، نمونه ای از این بهره گیری است.

• تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی، به ابزار مناسبی برای زرادخانه تبلیغاتی امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بدل گردیده است. آنان میگویند با بهره گیری از این مسئله، چهره انقلاب شکوهمند ایران را با انگ "ضدیت با علم و دانش" بیالایند.

• تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی، عواقب خطرناکی برای رشد و تکامل انقلاب و بازسازی میهن به بار آورده است. عاقل مانند نیروی عظیمی، که می توانستند جذب این مراکز شوند و با فراگرفتن علوم و فنون به سازندگی میهن انقلابی بنحوی موثر یاری رسانند، عدم استفاده کامل از نیروی مفید موجود در دانشگاهها، به ویژه انترنرها و دانشجویان تربیت معلم و دانشجویان رشته های فنی و عدم بهره گیری کامل از مراکز آموزشی و امکانات فنی آنها و بالاخره محروم ماندن بخش وسیعی از نیروهای دانشجویی از مشارکت در امر دگرگونی نظام آموزشی و... از جمله این عواقبند.

مجموعه این عوامل، و نگرانی ما از اینکه تداوم تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی پیامدهای ناگوار بیشتری برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به بار آورد، و احساس تبعید و طیفهای که در قبال سرنوشت انقلاب و فرهنگ ایران انقلابی می کنیم، ما را بر آن داشت، تا بار دیگر نظرات خویش را درباره "مسئله دانشگاهها" بیان داریم، بدین امید که مورد توجه جدی شما مسئولین و دست اندرکاران محترم انقلاب فرهنگی قرار گیرد.

## لزوم تحول بنیادی در نظام آموزش عالی از کجا ناشی می شود؟

انقلاب شکوهمند مردم ایران به رهبری امام خمینی، انقلابی از نظر مضمون ضد امپریالیستی و مردمی است، که هدف آن ریشه کن ساختن سلطه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم و نواستعمار، به سرکردگی آمریکا، از میهن ما و تامین آزادیها و حقوق دموکراتیک برای توده های وسیع مردم است.

یکی از عرصه های مهمی که انقلاب ضرورت دگرگونی بنیادی آن را مطرح ساخته، عرصه فرهنگ و از آن جمله آموزش عالی است. نگاهی به نظام آموزش عالی در دوران رژیم وابسته به امپریالیسم گذشته، ضرورت این دگرگونی عمیق و بنیادی را نشان می دهد:

## آموزش عالی در دوران رژیم وابسته به امپریالیسم

در دوران سلطنت ننگین خاندان پهلوی و به ویژه پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سلطه اهریمنی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بر همه شئون زندگی میهن ما و از جمله بر فرهنگ و نظام آموزش عالی برقرار بود. نظریه

نقش مهم آموزش عالی در کمک به ایجاد تکنولوژی ملی و پرورش نسل متخصص و کارآمد کشور، این عرصه داخلی آن قرارداد است. دانشگاه بمعنای یکی از مراکز مهم علمی و مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری، آماج انواع طرحهای نواستعماری بود. اجرای این طرحها نظام حاکم بر آموزش عالی میهن مان را به نظامی عمیقاً ضد خلقی و در خدمت منافع امپریالیسم و ارتجاع حاکم بر ایران بدل ساخته بود. ویژگیهای این نظام بدین قرار بود:

الف) نظام حاکم بر آموزش عالی خلصتی غیر مردمی داشت و توده های وسیع جوانان زحمتکش کشور عملاً از حق تحصیل عالی محروم بودند.

ب) نظام آموزش عالی نه در خدمت پیشرفت و ترقی اجتماعی ایران، که در خدمت تشدید وابستگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به امپریالیسم بود، زیرا:

• دروس آموزش عالی فنی مشوق و تقویت کننده صنایع مونتاژ بودند و هیچگونه پیوند موثری میان مراکز آموزش فنی و مراکز تولیدی وجود نداشت.

• دروس و ویژگیهای زیستی و جغرافیایی کشور بود و هیچ ارتباطی میان آموزش کشاورزی و تولید کشاورزی در میهن مان وجود نداشت.

• دروس و آموزش علوم انسانی و اجتماعی، زیر سلطه کامل نظریات بورژوازی و نواستعماری قرار داشت و تفالسه اندیشه های نظریه پردازان امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، بعنوان آخرین دستاوردهای علوم اجتماعی، به خورد دانشجویان داده می شد.

• توزیع دانشجویان در رشته های گوناگون به هیچوجه با نیازهای رشد صنعتی کشور تطابق نداشت. در شرایط نیاز مبرم کشور به کادر متخصص جهت توسعه صنعت و کشاورزی و در شرایط کمبود وحشتناک پزشک در کشورمان، تنها درصد اندکی در این رشته ها به تحصیل اشتغال داشتند و درصد عمده دانشجویان در رشته های غیر تولیدی و غیر پایه ای تحصیل می کردند. این امر جزئی از طرح نواستعماری امپریالیسم برای تداوم و تشدید وابستگی میهن مان بود. طبق آمار یونسکو در سال ۱۹۷۱، از ۹۷۳۳۸ نفر کل دانشجویان ایران، ۱۵۲۸ نفر در رشته های علوم طبیعی و دقیقه، ۱۷۴۵۱ نفر در رشته های مهندسی و ۴۱۵۴ نفر در رشته کشاورزی تحصیل می کردند، یعنی در مجموع فقط ۳۷/۸ درصد دانشجویان در رشته های کلیدی و حیاتی به تحصیل اشتغال داشتند.

ج) آزادیها و حقوق دموکراتیک دانشجویان توسط رژیم شاه ملعون و کارگزاران آن شدیداً پایمال می شد، دانشجویان و دانشگاهیان از حق شرکت موثر در اداره مراکز آموزش عالی محروم بودند و هرگونه تلاش برای نیل به آزادی

اندیشه و بیان و هرگونه اعتراض به نظام نواستعماری آموزشی، توسط ساواک و گارد با خشونت سرکوب می شد. د) بوروکراسی، که از اهمیت رژیم گذشته برمی خاست، تار و بود سیستم آموزش عالی - نظیر تمامی دستگاه های کشور - را به بند کشیده بود و این امر امکان هرگونه شکوفایی استعداد و خلاقیت فکری را سلب می کرد.

## آموزش عالی پس از انقلاب شکوهمند مردم ایران

با پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، چشم اندازهای نوینی در عرصه نظام آموزش عالی گشوده شد. همه نیروهای مترقی دانشجویی - از جمله دانشجویان توده ای - با شور و شوق به انقلاب تهنیت گفتند و چشم انتظار دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی گردیدند.

ولی دولت موقت لیبرالها در دوران حکومت خود، نه تنها هیچ اقدامی در جهت تحول بنیادی در آموزش عالی نکرد، بلکه حتی اساتید سرشناس نظامی و تاسیساتی در کف حمایت لیبرالها به "تدریس" ادامه دادند. محتوی دروس نیز تغییری نکرد. در این دوران اگر اقداماتی در زمینه تصفیه عناصر ساواکی و یا شرکت دانشجویان در اداره امور دانشگاهها و غیره انجام گرفت، تنها در اثر فشار نیروهای مترقی دانشجویی و در مقابل با کارشکنی های لیبرالها و دیگر مدافعین نظام محروم آموزشی بود. علاوه بر آن، پدیده دیگری نیز رشد کرد که بعنوان پدیده ای منفی بر ضعف های اساسی دانشگاهها و مدارس عالی افزوده شد و آن سوء استفاده گروهک های ضد انقلابی چپ نما از آزادی های سیاسی موجود در جامعه دانشگاهها بود.

در این شرایط حساس، که لیبرالها و وابستگان به رژیم ضد فرهنگی گذشته سد راه هرگونه تحول در نظام آموزش عالی گردیده بودند، در شرایطی که گروهک های چپ نما دانشگاه را عرصه فعالیت های ضد انقلابی خود قرار داده بودند، متاسفانه هیچگونه همکاری موثری در میان نیروهای دانشجویی مومن به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران (که اکثریت مطلق دانشجویان را تشکیل می دادند) وجود نداشت. خودبینیها و انحصار طلبیها و قشری گریها از یک سو و چپ رویها از سوی دیگر، سد راه این همکاری و اتحاد گردیده بود.

در آن زمان، تنها دانشجویان توده ای بودند که همه گروه های مترقی دانشجویی را به اتحاد عمل و همکاری فراخواندند و آنان را به بسیج در مقابل گروهک های ضد انقلابی مائوئیستی و فعالیت پیگیر در راه انجام دگرگونی بنیادی نظام آموزش عالی دعوت می کردند.

دانشجویان توده ای از نخستین روز فعالیت علنی خویش در دانشگاهها، که به برکت انقلاب شکوهمند مردم ایران پدید آمد، با تمام نیرو در راه ایجاد جو تفاهم و هماهنگی با دیگر گروه های مترقی دانشجویی، به ویژه بانجمن های اسلامی دانشجویان، کوشیدند و برای تحقق اتحاد و تشکیل دانشجویان، شمار "پیش بسوی تشکیل اتحادیه سراسری دانشجویی" را مطرح ساختند. ولی متاسفانه این شکل، که در شرایطی می توانست نقش مهمی در تحول نظام آموزش عالی در راستای منافع و نیازهای انقلاب و تضمین کننده سلامت محیط آموزشی در قبال فعالیت گروهک های

ضدانقلابی و مائوئیستی گردد، تحقق نیافت. کارشکنی لیبرالها در امر دگرگونی بنیادی نظام آموزش عالی - که امروزه گستاخانه سنگ دفاع از علم و دانشگاه را به سینه می زنند - و تشدید فعالیت های خرابکارانه گروهک های ضد انقلابی در دانشگاهها و مدارس عالی، موجب گشت که بخشی از نیروهای مترقی دانشجویی، برای انجام "انقلاب فرهنگی"، شیوه نادرست تعطیل دانشگاهها را بعنوان تنها شیوه ممکن برگزینند.

حوادث تاسف بار اردیبهشت ۱۳۵۹، که بدون تردید امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده اش در برافروزی آن نقش مهمی داشتند، منجر به درگیری در دانشگاهها و تشنج در شهرهای دانشگاهی گردید. ما در آن زمان دست آلوده امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده اش را در پس این تشنج آفرینی دیدیم، و برای جلوگیری از تشدید درگیری، بلافاصله دفاکتو خود را در دانشگاهها و مدارس عالی سراسر کشور تعطیل کردیم و دانشجویان را دگرباره به آراش و همیاری در جهت ایجاد یک نظام آموزشی انقلابی، مترقی و مردمی فراخواندیم. تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا در طیس، که بلافاصله پس از حوادث دانشگاهها روی داد، ارزیابی ما را بنحوی انکارناپذیر تایید کرد.

از آن پس، از سوی بخشی از دانشجویان و استادان دانشگاهها، مسئله تعطیل مراکز آموزش عالی پیگیری شد و با حمایت محافل از مسئولین ملکی، این امر در ۱۵ خرداد ۱۳۵۹، بدون یک برنامه ریزی و دورنمای روشن، انجام گرفت.

## تعطیل دانشگاهها و عوارض آن

در آن موقع این سؤال با شدت هرچه تمام تر مطرح بود که: آیا برای انجام تحول انقلابی در آموزش عالی باید نخست آن را از حرکت بازداشت و آنگاه هر چند وقت که طول بکشد - آن را به حرکت درآورد و در این فاصله دگرگونی های لازم را انجام داد؟ و یا اینکه می توان این تحول انقلابی را در شرایط باز بودن دانشگاهها و با مشارکت توده های دانشجویی و همه دانشگاهیان و در حال حرکت و فعالیت موثر دانشگاهها انجام داد؟

ما به قسمت دوم معتقد بودیم و بدین جهت تعطیل درازمدت دانشگاهها - حتی اگر با نیت خیر و به قصد برنامه ریزی برای "انقلاب فرهنگی" باشد - از جمله عوارض زیرین را به بار خواهد آورد: ۱- ۱۷۵ هزار نفر دانشجو که می بایست هرچه سریع تر آموزش ببینند و فعلاً نه در خدمت بازسازی جامعه به کار گرفته شوند - عاقل می ماند و به صف چند میلیونی بیکاران می پیوندند. ۲- قریب به ۹ هزار نفر کادر علمی دانشگاهها و مدارس عالی بیکار خواهند شد.

۳- صدها هزار دیپلمه پشت کنکور همچنان چشم انتظار ورود به دانشگاه خواهند ماند و بخش عظیمی از آنان به صف بیکاران افزوده خواهند شد. ۴- مراکز آموزشی و امکانات عظیم علمی، فنی، آزمایشگاهی و پژوهشی دانشگاهها تقریباً بلا استفاده می ماند و مقدار عظیمی خرج نگهداری آنها خواهد شد.

۵- برای مدت ها، میهن انقلابی ما، در شرایطی که بیش از هر زمان دیگری به نیروی متخصص برای بازسازی نیاز دارد، از تربیت کادر متخصص و ورزیده محروم خواهد ماند.

۶- در چنین شرایطی، جای خالی بخش عظیمی از جوانان - که باید اداره امور کشور را بدست گیرند، ولی از کسب تخصص علمی و فنی محروم می ماندند - لاجرم توسط متخصصین تحصیل کرده در کشورهای سرمایه داری غرب، که بطور عمده از خانواده های مرفه و متاثر از شیوه تفکر و زندگی سرمایه داری غرب هستند، پر خواهد شد. علاوه بر آن، بخشی از جوانان برای ادامه تحصیل راهی کشورهای سرمایه داری می شوند، که این خود مبالغ قابل توجهی ارز از کشور خارج خواهد ساخت.

۷- بیکاری گروه های ذکر شده نارضایتی خود و خانواده هایشان را به دنبال خواهد داشت و، در نتیجه، برای ضد انقلاب، زمینه لازم جهت تبلیغ علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فراهم خواهد ساخت.

ما با پیش بینی عوارض فوق و نیز با توجه به این نکته مهم که، تعطیل مراکز آموزش عالی نیروی خلاق دانشجویان را از شرکت در انجام دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی باز خواهد داشت، با تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی مخالفت کردیم. به نظر ما، تعطیلات سه ماهه تابستان برای پی ریزی و برنامه ریزی چنین تحولی، با توجه به ضرورت مبرم و حیاتی استفاده و بهره برداری از امکانات انسانی مراکز آموزش عالی، کافی بود. به همان گونه که در زمینه آموزش مائوئیست دانشگاهی - که دامنه بسیار وسیع تر و گسترده تری در مقایسه با آموزش عالی دارد - برای انجام تحول بنیادی، تعطیل دبستانها و دبیرستانها ضرورتی نیافت و انجام این تحول، همگام و همزمان با فعالیت مدارس، انجام می گیرد، در مورد دانشگاهها و مدارس عالی نیز چنین امری ممکن، میسر و لازم بود.

بهر حال و علیرغم تمامی این استدلالها و دلایل منطقی، دانشگاهها و مدارس عالی از خرداد ماه سال ۱۳۵۹، با دورنمایی مبهم و بدون طرح و برنامه ای روشن، تعطیل شد و "شورای انقلاب فرهنگی"، بعنوان ارگانی که وظیفه نظارت و سنگین تهیه طرح های انقلابی برای تحول در آموزش عالی و ایجاد محل های ضرور برای بازگشایی مراکز آموزش عالی را به دوش دارد، تشکیل شد و، به دنبال آن، نهادهایی چون "جهاد دانشگاهی" و کمیته های گوناگون دیگر شروع به کار کردند.

## عملکرد چند ماهه دست اندرکاران «انقلاب فرهنگی»

برخورد منصفانه و مبتنی بر اخلاق انقلابی حکم می کند که هر انسان انقلابی در ارزیابی عملکرد مسئولین محترم و دیگر دست اندرکاران "انقلاب فرهنگی" این واقعت انکارناپذیر را تصدیق کند که، در این چند ماه، آنها بی وقفه و با خلوص نیت تلاش کرده اند و تمام مساعی خود را برای انجام وظایف سنگین فوق و تحقق هدف های مبرم دگرگونی بنیادی نظام آموزش عالی به کار گرفته اند. ولی صرف نظر از این تلاش قابل تقدیر و این نیت پاک و انقلابی، آیا "شورای انقلاب فرهنگی" و دیگر دست اندرکاران "انقلاب فرهنگی" تاکنون موفق شده اند که نتایج ربابار ناسی از تعطیل دانشگاهها را جبران کنند و برای امر انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاهها دورنمایی روشن ترسیم کنند؟

نظری به بخش عمده عملکرد چند ماهه دست اندرکاران "انقلاب فرهنگی" برای پاسخ بدین پرسش، ضرور است:

## الف: جذب نیروی دانشجویان

بمنظور جذب نیروی ده ها هزار نفری دانشجویان (که بعنوان یکی از عوارض تعطیل دانشگاهها بر شمرده می شود) مرکز به نام "جذب نیرو" تشکیل شد. هدف های این مرکز چنین اعلام شد: "دفتر جذب نیرو که از طرف دانشجویان باز شده... برای جذب دانشجویان است. البته (ما امیدواریم) که به این ترتیب همه دانشجویان جذب بشوند و این امری است که ما باید به آن بقیه در صفحه ۶

### کارگران کارخانه کیوار:

## همه جای کشور، جبهه است

مهمترین خواست ما راه افتادن مجدد کارخانه است

- در کار تشکیل سندیکا کارشکنی میکردند، ولی سندیکا تشکیل شد و کارهای زیادی هم انجام داده.
- دولت باید هر چه زودتر قانون شوراهای کارخانه ها را روشن کند

کارخانه پروفیل سازی کیوار (تهران) دارای ۲۲۰ کارگر و ۳۸ کارمند است. از نظر مواد اولیه این کارخانه به طور عمده وابسته به خارج است و مواد اولیه آن از کشورهای ژاپن، انگلستان و... تامین می شود. بعد از تحریم اقتصادی، مواد اولیه این کارخانه از طریق دلالان بین المللی خریداری شده است. در صورت گسترش و افزایش تولید، کارخانه های ذوب آهن اصفهان و نورد اهواز می توانند مواد اولیه مورد نیاز کارخانه های پروفیل سازی را تامین کنند و این کارخانه و دیگر کارخانه های پروفیل سازی کشور را خودکفا کند. این کارخانه از اوایل آذرماه امسال به علت نبودن مواد اولیه تعطیل شده است. دبیر سندیکای کارگران در این مورد می گوید:

خودشان بود. سهمی که به ما فروختند، هیچ ارزشی نداشت. سرمایه دار سهم اش را می برد و چند برابرش از بانک وام می گرفت. ولی سهم کارگرها هیچ فایده ای نداشت."

از ۱/۵ سال پیش، کارگران این کارخانه سندیکای خود را تشکیل داده اند. دبیر سندیکا در مورد چگونگی تشکیل سندیکا می گوید:

"برای تشکیل سندیکای زحمت فراوان کشیدیم. عده ای از بیسوادی کارگران استفاده می کردند و تقلب می کردند و در کار تشکیل سندیکا کارشکنی می کردند. ولی سندیکا تشکیل شد و کارهای زیادی هم تا به حال انجام داده است، از جمله:

- ۱) گرفتن سه میلیون تومان وام برای کارگران
- ۲) گرفتن اضافه حقوق برای کارگران طبق قانون وزارت کار
- ۳) مجانی کردن ناهار و یکتواخت کردن ناهار خوری کارگران و کارمندان
- ۴) گرفتن سودویژه تا قبل از لغو آن برای کارگران
- ۵) تامین وسایل ایمنی کار برای کارگران و کارهای دیگر.

ولیکن هنوز از نظر بهداشتی وضع کارگاهها خوب نیست، که این را هم، اگر کارخانه را ببینند، درست می کنیم." در جواب این سؤال که: "آیا در صدد هستید که شورایی تشکیل بدهید یا نه؟" یکی دیگر از نمایندگان کارگران می گوید:

"اسم مهم نیست، مهم عملکرد است و برای همین ما منتظریم تا قانون شوراها

"پس از انقلاب، در اثر کوشش کارگران، ۳۵٪ به تولید این کارخانه اضافه شد و به این علت مواد اولیه ذخیره این کارخانه سربعا مصرف و تمام شد. مواد اولیه خریداری شده هم به علت شروع جنگ به موقع به کارخانه نرسید و کارخانه تعطیل شد. ولی هر موقع که مواد اولیه برسد، کارخانه شروع به کار خواهد کرد."

۴۹٪ سهام این کارخانه دولتی و بقیه آن متعلق به بخش خصوصی است. پیش از انقلاب مقداری از سهام این کارخانه از طرف سهام داران خصوصی به کارگران فروخته شده است. یکی از کارگران در این مورد می گوید:

"فروش سهام کارخانه از طرف آن ها برای جمع کردن پول کارگران در دست

### کارگران انبار چیت مازندران: باید وسایل ایمنی و رفاهی را تامین کرد

## کارگران می گویند: ما کارگران برای اینکه کشور را حفظ کنیم یاباید در جبهه بجنگیم یا در محل کار، تولید را بالا ببریم

در انبار چیت مازندران (تهران) ۲۲ کارگر کامیون های حامل پارچه های تولید شده در کارخانجات نساجی مازندران را تخلیه می کنند و کامیون های را که به فروشگاه های تهران بارچه می رسانند، بازرگیری می کنند. اکثر کارگران این انبار، پس از انقلاب رسمی شده اند و چهره های جوان در میان آن ها بسیار دیده می شود. میزان حقوق ماهیانه کارگران به طور متوسط ۲۸۰۰ تومان است و همگی دارای دفترچه بیمه هستند.

چند هواکش، غرق در ذرات گرد و غبار است. کارگران می گویند: "تابستان ها گرد و غبار آنچنان زیاد است که نفس کشیدن در انبار ممکن نیست."

سال گذشته به کارگران این انبار لباس مخصوص کار دادند، ولی امسال از آن خبری نیست. از همین رو کارگران لباس های نامناسبی دارند و فاقد کفش ایمنی هستند. آنان به علت نداشتن ناهار خوری مجبورند ناهار یا خود از خانه به محل کار بیاورند. کارگران از سرویس رفت و آمد نیز بی بهره اند. بسیاری از کارگران روزانه تا ۴ ساعت برای رفت و آمد وقت صرف می کنند. راننده لیفترا انبار می گوید:

"سرویس رفت و آمد خواستیم، به ما گفتند: خانه های کارگران در سطح تهران پراکنده است و وجود سرویس رفت و آمد امکان پذیر نیست. من پیشنهاد کردم که صبح ها یک مینی بوس برای مدت ۲ ساعت در اختیار ما بگذارند، تا تمام کارگران را به محل کار بیاوریم، ولی قبول نکردند. حقوق اضافی هم وی در باره جنگ و موقعیت کنونی کشور می گوید:

"این در خصلت انقلاب ما است که تا آخر در مقابل دشمنانش بایستد. در جنگ با عراق نقش اصلی با آمریکا است. صدام هم جز مهرهای در دست آمریکا نیست. آمریکا دو کشور را به جان هم انداخته و خودش سود می برد. ما کارگران برای این که کشور را حفظ کنیم، یا باید در جبهه بجنگیم و یا در محل

کارگران این انبار همچون دیگر بخش های طبقه کارگر، با جان و دل کار می کنند و از هیچ کوششی برای پیشبرد اهداف انقلاب مضایقه ندارند. کفایت یادآور شویم که همین کارگران پیش از انقلاب روزانه فقط دو کامیون بار تخلیه می کردند، در حالی که اکنون روزانه تا ۱۷ کامیون بار تخلیه می کنند. یکی از کارگران در این مورد می گوید: "پیش از انقلاب کارگران چندان مایل به کار کردن نبودند، ولی الان با وجودی که شرایط کار تغییر چندانی نکرده، ولی کارگران اگر تا ساعت ۸ شب هم کامیون به انبار بیاید، کار را متوقف نمی کنند."

شرایط سنگین و طاقت فرسا از خصیصه های کار در انبار است. ظرف دو سال گذشته ۳ تن از کارگران این انبار در اثر بلند کردن بار سنگین تحت عمل جراحی قرار گرفته اند. انبار، به جز چند وسیله اولیه برای اطفاء حریق، فاقد امکانات دیگر ایمنی و رفاهی است. فضای انبار، با وجود

## دستفروشی: صور تکی بر چهره زشت بیکاری

از نیروی انبوه دست فروشان در یازسازی بینه اقتصادی کشور استفاده کنیم

یکی از مشکلات مهم اجتماعی و اقتصادی کشور ما، مسئله بیکاری است. بیکاری از میراث های شوم رژیم طاغوت است و آثار آن پس از انقلاب نمایان تر شده است. با پیروزی انقلاب، بر اثر توطئه های عوامل وابسته امپریالیسم و جیره خواران رژیم طاغوت، برانبوه عظیم بیکاران افزوده شد. برانبوه تامین مایحتاج زندگی مجبور شدند به مشاغل کاذبی چون دستفروشی روی آورند. این دست فروشان بیشتر از دهقانان بی زمین هستند، که به علت فقر شدید، مجبور به مهاجرت به شهرها شده اند. در کنار این ها، گروهی از کارگران موسسات، کارخانه ها و کارگاه های ورشکسته و تعطیل شده نیز هستند. دست فروشان به علت نداشتن کار ثابت، کمی درآمد و گرانی مایحتاج زندگی، شرایط سختی را تحمل می کنند. دست فروشان زنجان نیز از این جمله اند. با تنی چند از آن ها به گفتگویی نشینیم. حسن هفده ساله، که خانواده او به علت نداشتن زمین از روستای "سلطان رود" به "زنجان" مهاجرت کرده است سیگار فروشی می کند. می گوید:

"پایند زنگیم را تا همین کتم. مجبورم از صبح تا عصر دستفروشی کنم. آخر کار دیگری ندارم. بعضی از مواقع کار نیست و درآمدی نداریم. در بهترین حالت، درآمد روزانه ما بیست و پنج تومان است. گرانی مایحتاج زندگی فشار بیش از حدی به ما وارد می کند و سطح زندگی ما را پایین آورده است. از این کار راضی نیستم و امیدوارم دولت برای ما کار ثابت و شرافتمندانه ای تهیه کند."

حسن تا کلاس چهارم ابتدایی درس خوانده و بعد اجبارا ترک تحصیل کرده است.

درباره انقلاب می گوید: "ماحتما در مقابله با آمریکا پیروز خواهیم شد."

با یکی دیگر از دست فروشان به صحبت می نشینیم. نامش "اللهیار" است و از روستاهای اطراف آمده است. او لباس های دست دوم می فروشد. وی می گوید:

"هشت سال است دستفروشی می کنم و روزی پنجاه الی صد تومان بیشتر درآمد ندارم." در مورد گرانی می گوید: "چون گرانی و تورم جنبه عمومی و

همگانی دارد، حاضریم برای پیروزی نهایی انقلاب آن را تحمل کنیم." با شاگرد نوجوان یکی دیگر از دست فروش ها صحبت می کنیم. سیزده الی چهارده سال دارد. برای این که بتواند هم کار کند و هم تحصیل، در دوره شبانه ثبت نام کرده است. خانواده وی از روستاهای اطراف به شهر مهاجرت کرده اند و فعلا در یک خانه محقر در "صفرآباد" زندگی می کنند. می گوید: "روزی سی تومان درآمد دارم. با اینس درآمد کم و بسالین گرانی اسرسام آور، باید زندگی خود و خانواده ام را تامین کنم. من از این کار راضی نیستم، ولی چون پدرم قادر به کار کردن نیست، به هر صورت مجبورم به این کار ادامه بدهم."

با دست فروش دیگری صحبت می کنیم. چهل و هشت سال دارد و سیگار فروشی می کند. می گوید: "من کارگر زمستانی هستم. به دلیل این که کار ساختمانی نیست، مجبورم که از صبح تا عصر دستفروشی کنم. روزانه بیشتر از سی تومان درآمد ندارم. با این درآمد کم باید زندگی هشت سرعائله را تامین کنم."

برای حل مشکلات این دست فروشان اقدامات بنیادی و قاطع لازم است. دهقانان بی زمینی که به علت فقر شدید مالی به شهرها روی می آورند، بر اثر بیکاری که در خود شهر نیز وجود دارد، مجبورند در شرایطی غیر انسانی زندگی کنند. با در اختیار گذاشتن زمین و امکانات به این افراد می توان حداقل امکانات یک زندگی انسانی را برای آن ها تامین کرد.

دیگر گروه دست فروشان، کارگران کارخانه ها و کارگاه های تعطیل شده هستند. با رفع کمبودها و راه اندازی عموم کارخانه ها و کارگاه ها، علاوه بر افزایش تولید و گسترش امکانات اقتصادی کشور، از نیروی گسترده دست فروشان و بیکاران نیز استفاده خواهد شد. وجود پدیدمان سالم بیکاری در جامعه که از جمله به صورت گسترش بساط های گوناگون دستفروشی دیده می شود، امکانات بالقوه انقلاب را به هدر می دهد و لشکر ذخیره ای را برای تبلیغات و حملات ضد انقلابی فراهم می آورد. برنامه های ضربتی و سراسری برای ایجاد اشتغال واقعی، در این زمینه هم راه را بر ضد انقلاب می بندد.

### قالی بافان باید از مزایای بیمه برخوردار شوند

در شهرستان آشتیان عده زیادی از زنان و دختران به کار قالی بافی اشتغال دارند. حدود ۹۵٪ آنها، قالی را برای صاحب کار می بافند و در مقابل دستمزدی دریافت می کنند. در آرای فروش هر قالی حدود هشتاد تا صد هزار ریال عاید صاحب کار می شود، و حتی گاهی اوقات، که با زارداغ تراست، سود بیشتری نصیب او می شود.

از یکی از قالی بافان پرسیدیم: "چرا با گرفتن وام از دولت، خود اقدام به این کار نمی کنید، تا سود بیشتری نصیب شما شود؟" او گفت:

"سال گذشته به ما وام می دادند، ولی کمتر کسی وام گرفت. علت آنست که تنها وام دردمان را دو انمی کند، بلکه تهیه مواد اولیه برای ما دشوار است. برای اینکه دارم باید یک نفر در شهزدر جستجوی آن مواد باشد و اینکار از عهده ما بر نمی آید. همچنین چون مواد اولیه را بطور عمده نمی خریم، از این جهت برای ما گران تمام می شود. در مقابل چون صاحب کار همیشه جنس را بصورت عمده می خرد، برای او از زنان تر تمام می شود."

مشکلات عمده قالی بافان عبارتند از:

- ۱- مشکل تهیه مواد اولیه (دا قالی - خامه چی)،
- ۲- گران تمام شدن قیمت مواد اولیه برای آنها،
- ۳- مسئله فروش قالی به بازاریان و دلالان،
- ۴- مسئله بیمه،

۵- نداشتن پزشک متخصص در شهر و روستاهای اطراف، قرار گرفتن زیر پوشش بیمه، برای قالی بافان، یکی از مهم ترین مسائل است. بیشتر قالی بافان چون در محیط های غیر بهداشتی کار می کنند، به بیماری های چون امراض ریوی و چشمی دچار می شوند. باید همه این زحمتکشان از مزایای بیمه و سایر مزایای قانونی بهره مند شوند.

## طبقه کارگر ایران در افزایش تولید، تو میم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیش قدم است!

ویژه  
روستاهای  
استان فارس

# دهقانان فارس از کار هیئت هفت نفری راضی هستند

## می توان صدها هکتار زمین را زیر کشت برد



عبدالله مجیدی (ابرقو - فارس)

"دولت می تواند به تلمبه، وسایل کشاورزی و کود بدهد، تا بتوانیم زمین های بایر را آباد کنیم. در محل ماکم آبی مشکل اساسی است. در صورت وجود تلمبه، می توان صدها هکتار زمین را زیر کشت برد."

عبدالله در مورد حمله صدام و توطئه های آمریکا می گوید:

"توطئه های آمریکا و ضدانقلاب بیشترین صدمه ها را به ما زده است. باید ضد انقلاب را سرکوب کرد. مردم باید با دولت همکاری کنند، تا کسی نتواند آشوب کند. وحدت همه مردم برای مقابله با آمریکا لازم است. ما نباید بگذاریم یک وجب از خاک ایران را آمریکا و عراق بگیرند."

اردی، روستایی در منطقه ابرقوی فارس، دارای ۳۰۰ خانوار جمعیت و فقط ۵۰ هکتار زمین زراعی است. اردی فاقد حمام بهداشتی و برق و مدرسه راهنمایی است. جاده آن برای عبور و مرور مناسب نیست.

عبدالله مجیدی ۲۰ ساله می گوید: "زندگی مردم بسیار سخت است. در ده حدود ۱۰ نفر کم زمین و بی زمین وجود دارد. خانواده ما فقط یک هکتار زمین دارد، که در آن گندم می کاریم. خود من سر کار می روم و اصلاً در زندگی درس خوانده ام، چون وضع مالی ما خوب نبود. وی درباره کمک هایی که دولت می تواند برای بهبود زندگی اهالی بکند چنین می گوید:

## زمینهای بزرگ مالکان «تنگ خشک» را به روستائیان بی چیز واگذار کنید

در نزدیکی سیوند (واقع در ۲۰ کیلومتری مرودشت فارس) روستایی به نام تنگ خشک قرار دارد، که از بسیاری وسایل رفاهی محروم است. مهم تر از آن این که، ۵۰-۴۰ خانوار آن بدون زمین هستند و برای مالکان بزرگ رعیتی و چوپانی می کنند. این روستا در حدود ۵۰۰ هکتار زمین دارد، که در دست مالکان بزرگ متمرکز شده است. یک بزرگ مالک طاغوتی و غاصب معروف، درخت های روستائیان را از بین برد و تبدیل به باصلاح کشت مکانیزه کرد. او خانه و کاشانه عشا را بر سرشان ویران کرد و آن ها را به چوپان و رعیت و محتاجان خود بدل نمود. یکی از دهقانان تنگ خشک می گفت: "ما احتیاج به زمین داریم. مالک ها همه زحمات را به ما می دهند. زمین نمی دهند."

به جاست که هیئت واگذاری زمین مرودشت، به زندگی بی بضاعت این کوخ نشینان توجه لازم را داشته باشد. واگذاری زمین به دهقانان تهنی دست تقویت پشت جبهه است.

بزرگ مالکان این روستا نه تنها در این ده، بلکه در بیشتر نقاط فارس زمین و باغ و گلخانه دارند. زمین های سرقات، که زرد، جنیز بیگی، لیرک، پوز، مهاجری، بالای دشت بال و از دشت بال تا سیوند متعلق به همین مالکان است. آن ها هم چنین در شیراز در گوشتک، در مهگون، در سرحد، در کربال فارس زمین دارند. روستائیان واقعا چشم انتظارند و می خواهند که هیئت به آن ها برسد و حق غصب شده آن ها را از غاصبان (مالکان بزرگ و فتووال ها) پس بگیرد. با واگذاری زمین هم حق به حقدار خواهد رسید و هم ستون پنجم امپریالیسم تضعیف و ریشه کن خواهد شد.

## درست نصف زمین های روستای دوقلوی کریم آباد و محمدآباد داراب، در دست بزرگ مالکان است

روستای کریم آباد تقریباً ۹۰ هکتار زمین دارد که ۴۵ هکتار آن متعلق به پانزده نفر دهقان و ۴۵ هکتار دیگر فقط متعلق به یک مالک است که دارای باغ و زمین در مناطق دیگر نیز هست. روستای محمدآباد تقریباً ۱۲۰ هکتار زمین دارد، که ۶۰ هکتار آن متعلق به ۱۲ نفر دهقان و ۶۰ هکتار دیگر متعلق به یک مالک است. عده های از خوش نشین های این دو روستا در کوره های آجرپزی نزدیک روستا کار میکنند و بقیه بجز کار موقت در داراب و دیگر نواحی، برای پیدا کردن لقمه ای نان هیچ کاروکسبی ندارند. اجرای بند "ج" در این دو روستا خواست اساسی می مردم زحمتکش آن و منطبق با اهداف انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی مردم قهرمان ایران است.

این دو روستا در فاصله چهار کیلومتری جنوب غربی داراب، در حاشیه جنوب غربی کوه پهنه قرار گرفته است. جمعیت حدود ۵۰۰ نفر (اخیراً توسط جهاد سازندگی جاده ای ساخته شده، که پس از عبور از روستا های اکبرآباد و محمدآباد به چند روستای دیگر از قبیل عباس آباد و دوندگان و غیره می رسد. این دو روستا تقریباً بهم متصل هستند و در داشتن مدرسه و حسینیه و مسجد باهم مشترکند. جمعیت روستای محمدآباد و نیز وسعت زمین های آن از کریم آباد بیشتر است. اخیراً توسط جهاد سازندگی یک حلقه چاه برای آب آشامیدنی در روستا حفر گردیده. اهالی این دو روستا حمام ندارند و بی صبرانه در انتظار تمام کار حفر چاه و لوله کشی هستند. تفاوت و عدم اشتراک دو روستا در اساسی فتووال ها و بزرگ زمین داران آنها است. این دو روستا یکی از پر آب ترین و حاصلخیزترین روستاهای منطقه داراب است.

## جهاد سازندگی و اقدامات مفید آن در «دودج»

"دودج" در مسیر خرامه - شیراز و در نزدیکی روستای "داربون" واقع شده است. اکثریت اهالی روستا کشاورزان و تعداد کمی دامپروری میکنند. شورای ده تشکیل شده و چهار نفر مسئولیت انجام امور را بر عهده گرفته اند. جهاد سازندگی چند طرح آبرسانی، شن ریزی، ساختن دبیرستان، ایجاد کتابخانه، ایجاد دو کانال آبرفتی و ... را اجرا کرده است. واحد خدمات کشاورزی وابسته به جهاد سازندگی تا کنون اقداماتی به نفع اهالی زحمتکش کرده است. در اختیار گذاشتن سده ستگاه تراکتور با وسایل مربوطه، پخش کود شیمیایی بین کشاورزان، شخم زدن و دیسک و مرز بندی در حدود هزار هکتار زمین از جمله فعالیت های مردمی این واحد بوده است. هیئت هفت نفری واگذاری زمین، در حدود ۶۰ هکتار زمین بین ۱۲۰ نفر از اهالی، که به گروه های ۱۲ نفری تقسیم شده اند، واگذار کرده است. روستائیان برای مداوای بیماران خود ناچارند به خرامه یا شیراز بروند. روستائیان از اقدامات مفید و مردمی جهاد و هیئت راضی اند و خواستار گسترش فعالیت این نهاد های انقلابی هستند.

## برای نجات کشاورزی منطقه

### شده قره بلاغ در منطقه

فسا - فارس بکوشیم

استفاده از پمپ های آبیاری، مجبور به بیرون کشیدن آب از دل خاک هستند و نیاز به روغن موتور و سوخت دارند. منطقه شده و قره بلاغ فسا، از جمله آن مناطقی است که با وجود زمینهای مرغوب و حاصلخیز و آب زیرزمینی فراوان، کشاورزی آن در شرف نابودی است. این نابودی هم مولود کمبود مواد سوختنی برای تعداد زیادی از تلمبه های آبیاری است. اگر به زودی حملات دشمنانه رژیم صدام، با حمایت پشتیبانی امپریالیسم جهانی، به سرگردگی آمریکا، و ارتجاع منطقه به نقاط نفت خیز کشورمان، بار سنگینی از مشکلات اقتصادی، بردوش زحمتکشان کشورمان گذاشته شده است. این مسئله مخصوصاً از نظر مواد سوختنی جهت مصارف کشاورزی حائز اهمیت است، زیرا کشاورزان مناطق کم آب، با

امام خمینی: بسه کشاورزان بگوئید مانه طرفدار فتووال هستیم نه طرفدار سرمایه دار.

## استقبال گرم دهقانان سرگدار - داراب از اقدامات هیئت هفت نفری

شده به اهالی سرگدار واگذار گردیده است، تاکلیه احشام. در آنها مجتمع شوند. برای آنها یک حلقه چاه عمیق نیز در نظر گرفته اند. این عمل مثبت هیئت هفت نفری با استقبال گرم اهالی روبرو شده است. اهالی می گویند: "چون همه ما در عین حال که شغل دامداری را رهنمانی کنیم، بکار کشاورزی علاقه داریم و به آن آشنا هستیم، از هیئت هفت نفری تقاضای واگذاری اراضی بیشتری داریم، تا بتوانیم هم علوفه دام ها و هم گندم و جو تولید کنیم. تاکنون حدود ۸۰ خانوار آماجگی خود را برای ساکن شدن در منطقه واگذار اعلام کرده اند. اهالی سرگدار پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و نهاد های انقلابی، بخصوص هیئت هفت نفری هستند و تاکنون ۳۰ راس گوسفند و چندین هزار تومان بول به جنگ زدگان کمک کرده اند."

اهالی منطقه احشام دزدون به علت داشتن چشمه، و چاه بنه به علت داشتن چاه، همیشه همانجا ساکن هستند. جمعیت کل سرگدار حدود ۱۴۰ خانوار است. مناطق احشام چاله و دیگو هر کدام با حدود ۴۰ خانوار از دیگر احشام بزرگتر است. محل های دیگری منطقه سرگدار در حقیقت عبارت است از فقط تعدادی خانه های گلی و دیگر هیچ. عده دام ها حدود ده هزار راس گوسفند است. تعدادی از اهالی دارای باغ های انگور، انجیر و بادام دیمی هستند. تا مین آب برای آشامیدن اهالی و شرب دام های یکی از بزرگ ترین مشکلات اهالی سرگدار است. حدود ۲۵۰ هکتار از اراضی در منطقه بنه کلاغی (در شمال منطقه احشام چاله) که هم دارای منبع آب زیرزمینی است، هم خاکش مساعد کشاورزی است و هم اطراف آن مرتع است، توسط هیئت هفت نفری واگذاری زمین، ملی

بسیاری از مردم، سرگدار (از دهستان کوهستان واقع در داراب فارس) را بخاطر راه ارتباطی کوهستانی دشوارش و بخاطر گردنه بالای گردنه مروراید می شناسند، که در زمان طاغوت، بول های کلان به بهانه ساختن آن حیف و میل شد. اما در این منطقه کوهستانی، مردمی سخت کوش زندگی می کنند، که آب ندارند و زمین زراعی بسیار کم دارند. حرفه اصلی مردم دامداری است. سرگدار در حقیقت یک روستا با مشخصات واحد نیست، بلکه اهالی آن، بجز خود روستای سرگدار، در پنج منطقه احشام دیگر به نام های چاله، دیگو، دزدون، چاه بنه و سنگینه زندگی می کنند. کسانی که در این احشام زندگی می کنند، در تمام فصول سال یک جا ساکن نیستند، بلکه به علت نداشتن آب یا علل دیگر، به مناطق احشام دیگر مهاجرت می کنند. مثلاً احشام چاله و دیگو اصلاً آب ندارد.

## دامپروری و دام پزشکی «فسا» به یاری بیشتری نیاز دارد

امکانات واکسن و وسیله نقلیه و جهاد را از نظر امکانات داروئی مجهز کنیم، تا لااقل در مورد بهداشت و درمان دام ها مشکلات کمتری داشته باشیم. اگر بانک کشاورزی در مورد مشکل پرداخت وام با جهاد سازندگی همکاری لازم می داشت، بی شک مسئله پرداخت وام هم صورت بهتری پیدا می کرد. آنچه مسلم است همکاری بانک کشاورزی و جهاد ضروری است، تا پرداخت وام هم از آن شکلی که تا بحال بوده بیرون آید و حالت مردمی تری بخود بگیرد و نیازها معیار کار باشد نه رابطه.

ندارند. برای اثبات این ادعا می توان از دامداران خرد بین نظر خواهی به عمل آورد. مشکل اساسی دیگر دامداران این منطقه، کمبود دارو و واکسن است. با تکیه بر همکاری خیلی نزدیک دام پزشکی و جهاد سازندگی و فعالیت هر دو در جهت رفع کمبود ها، می توان کمبود دارو و واکسن را مرتفع ساخت. عملاً ثابت شده است که برای رفع مشکل دامداران از نظر بهداشت و درمان، همکاری هر چه بیشتر جهاد و دام پزشکی لازم است باید دام پزشکی را از نظر

در منطقه فسا دامپروری و دام داری چه از نظر سنتی و چه به شکل صنعتی، در حال رشد و پیشرفت است و در عین حال مشکلات و نارسائی های هم دارد. این مشکلات به ویژه در زمینه شکل پرداخت وام دامپروری و مشکلات دام پزشکی و کمبود دارو، ضرر های اقتصادی فراوانی بجای می گذارد. در مورد پرداخت وام، هیچ برنامه اصولی در دریافت وام وجود ندارد. وام دامپروری عملاً شامل کسانی می شود که یا اصلاً دامدار نیستند و یا اینکه نیازی به وام

نامه سرگشاده...

بقیه از صفحه ۳

بپردازیم و بر خودمان روشن کنیم. (دکتر سروش - سخنگوی شورای انقلاب فرهنگی، جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۳/۲۸)

وازیروی دانشجویان عضو "دفتر جذب نیرو" چنین گفته شد:

"ما در درجه اول با توجه به امکاناتی که خودمان داریم، فقط بعنوان یک جمع دانشجویی آن برادران و خواهران را به کار میگیریم که این حرکت را قبول داشتند، ولی باز آدمهایی نبودیم که به قول معروف دگم باشیم و همرا بخواهیم کنار بگذاریم. در نظرمان هست، حتی طرحی داریم، که اگر امکانات بدست بیاوریم، همه افراد به کار گرفته شوند و واقعاً در جهت خدمت به جامعه کار کنند." (اطلاعات، ۱۳۵۹/۴/۱)

و چندی بعد نیز، در اطلاعیه "ستاد انقلاب فرهنگی" - مورخ ۱۳۵۹/۶/۱۶ - چنین اعلام شد:

"ستاد جهاد دانشگاهی از ابتدای فعالیت خود بطور پیگیر به دنبال تهیه طرح استفاده از نیروهای دانشگاهی و برنامه ریزی برای به کارگیری هر چه بیشتر و سریع تر این نیروها بوده است... اکنون در اولین مرحله برای این گروه از دانشجویان فنی طرحهای اجرایی تهیه کرده ایم... بعلاوه نیاز مملکت به امور خدماتی، درمانی، فنی و اداری این طرحها بتدریج کلیه دانشجویان را در زیر پوشش قرار خواهند داد." (اطلاعات ۱۳۵۹/۶/۱۶)

این اظهار نظرها در ابتدا بسیار امیدوارکننده بود و حکایت از این واقعیت می کرد که مسئولین "انقلاب فرهنگی" و دست اندرکاران آن نیز به خطرات ناشی از تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی، از جمله بیکار شدن نیروی اصلی ده هزار نفری دانشجویان و کادر علمی و نیز از کادماندن امکانات علمی و فنی مراکز آموزش عالی توجه دارند. تکیه آنان بر به کارگیری همه نیروها مابعد دگرگونی و نوید بخش شروع فعالیت فارغ از تنگ نظری و انحصار طلبی و قشری - گری و مبتنی بر درک واقعیات جامعه بود.

براین اساس و نیز بر مبنای نیاز حیاتی جامعه به بهره گیری از امکانات مادی و انسانی مراکز آموزش عالی، ما از همه دانشجویان عضو و هوادار خود خواستیم، تا تلاش بیدریغ خویش را در خدمت نهادهای تعیین شده از سوی "شورای انقلاب فرهنگی" نظیر "جهاد دانشگاهی"، "جذب نیرو" و... قرار دهند.

متأسفانه، برخلاف ادعاهای اولیه، نه تنها از نیروی دانشجویان عضو و هوادار سازمان ما، بلکه از نیروی بخش عظیمی از دیگر دانشجویان مترقی و معتقد به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیز استفاده نشد. انحصار طلبی برخی مسئولین و دست اندرکاران "انقلاب فرهنگی"، که گویا به اهمیت بسیج همه نیروهای دانشجویی در خدمت انجام دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی و نیز در خدمت بازسازی جامعه پی نبرده و تنها بر اساس معیارهای تنگ نظرانه به گزین کردن دانشجویان مشغول بودند، عامل این عدم جذب نیروی بخش قابل توجهی از دانشجویان مومن به انقلاب است.

تعطیل برنامه دانشگاهها و بیکار شدن دانشجویان و عدم کارایی کافی نهادهای "جذب نیرو" در بسیج آنان، به علاوه عوامل ذکر شده در بالا، دست بدست هم داد و موجب آن شد که "جذب نیرو" دانشجویان، به اعتراف خود دست اندرکاران این امر، با عدم موفقیت مواجه شد.

به نظر ما، طرح "جذب نیرو" و استفاده از انرژی عظیم و سازنده دانشجویان برای سازندگی میهن و خدمت به زحمتکشان، در صورتی می تواند موفق باشد که:

۱- دانشگاهها و مدارس عالی گشوده شوند و مسئولین امر با بسیج نیروی متمرکز در مراکز آموزش عالی و برنامه ریزی مستمر، آنها را در رشته های گوناگون به کار گیرند.

۲- معیار برای جذب نیرو، نه معیارهای عقیدتی، بلکه معیار انقلابی و ضدانقلابی باشد، زیرا هم اکنون نیرو-

از: «پرسش و پاسخ» (ار ۲۰۹۱)

نورالدین کیانوری

روند انقلاب و مبارزه توده های زحمتکش و دمکراتیک جامعه پدیده های انحصار طلبانه و قهقرایی را از میان بر خواهد داشت

گر ایش های مثبت سیاست خارجی، چنانکه موضع گیری ایران در کنفرانس کشورهای غیر متعمده نشان داد، بدون نوسان نیست.

یعنی مبارزه با امپریالیسم، صدمه نزند. حالا ممکن است که دوران طولانی مجبور به تحمل چنین محرومیت هایی باشیم. همانطور که در اسناد حزب هم آمده است، حتی امکان دارد که راستگرایی و محدودیت ها از این نیز شدیدتر شود. تنها با مبارزه وسیع توده های طرف نیروهای آگاه جامعه میتوان حقوق موجود را تثبیت کرد و حتی گسترش داد.

س: موضع گیری های ایران در کنفرانس کشورهای غیر متعهد، در مقایسه با گام های مثبتی که در سیاست خارجی ایران پیش از تشکیل این کنفرانس برداشته شده بود، گامی بود به عقب و شگفت انگیز. نظر شما در این باره چیست؟

ج: همانطور که بارها گفته ایم، یکی از ویژگی های حاکمیت کونی همیشه تنگ نظری انحصار طلبانه در زمینه شناخت نیروهای دوست و دشمن انقلاب ایران بوده است.

آنچه که در این زمینه در این اواخر نمایان بوده است، نظمه پدیده هایی مثبت است. رشد این نظمیکشیه نخواهد بود، بلکه گزایشی است در خطی منکسر. یعنی ممکن است موانع تازه ای در راه رشد این نظمه پیش بیاید، چه از طرف نیروهای ارتجاعی و ضدانقلاب و چه بر اثر ترمزهای درونی حاکمیت.

ما در عین اینکه نباید دچار خوش بینی بیش از حد بشویم، نباید به وحشت بیافتیم. اگر فکر کنیم موضع ایران در زمینه سیاست خارجی بزودی مثل سوریه، لیبی، الجزایر، کوبا، آنگولا، موزامبیک و ویتنام خواهد شد، شناخت نادقیقی از واقعیت انقلاب ایران و نیروهای انقلابی موجود داریم. در عین حال، با تجربه انقلابی که داریم، این نوع عقب گردها را باید قانونمندانانه بدانیم و دچار هراس نشویم. ما به نظفه مثبت بیش از چنین عقب گردهایی اهمیت می دهیم.

س: در دو سال اخیر حزب توده ایران پشتیبانی صادقانه خود را از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به ثبوت رسانیده است. با توجه به این واقعیت، نظر شما درباره اینکه پاره ای از رفقای ما نیز در ادارات و دیگر نهادها، به همراه عناصر ضدانقلابی و ساواکی، اخراج شده اند، چیست؟

ج: در انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، که در ایران انجام گرفت، طیف وسیعی از نیروها شرکت داشت. برخی از این نیروها، به اقتضای ماهیت طبقاتی خود اینک از انقلاب رویگردان شده اند و در راه سازش با امپریالیسم و برگرداندن دستاوردهای انقلاب قدم برمی دارند. برخی دیگر در مواضع ضد امپریالیستی و تاحدی خلقی باقی مانده اند، ولی دارای ویژگی های طبقاتی دوگانه خرد بورژوازی هستند. یعنی، از یک طرف، تمایلات جدی انقلابی دارند و از طرف دیگر دارای گرایش های جدی محافظه کارانه و در مواردی حتی قهقرایی و ارتجاعی هستند. قدرت حاکمه هم بدست بخش قابل ملاحظه ای از نیروهای اخیر افتاده است.

انعکاس این دوگانگی را در وزارتخانه ها و ادارات می بینیم. از یک طرف، تصمیمات جدی در فلان وزارتخانه بنفع محرومان جامعه گرفته میشود. این تصمیمات حتی برخی اوقات علیه نیروهای ارتجاعی است، که زیر پرچم "اسلام" مانع از تغییرات بنیادی هستند. از طرف دیگر، در عین حال از شریف ترین عناصر، که در همین جنبه آماده مبارزه اند، انتقام جویی میشود. بدلیل آنکه نظراتی غیر از نظرات آنها دارند و هوادار حزب توده ایران و یا عقاید مشابه هستند.

ما این دوگانگی طبقاتی را با توصیه و "من بمیرم، تو بمیری" نمی توانیم تغییر بدهیم. این تجربه اندوزی تاریخی و مبارزه توده های زحمتکش و نیروهای دمکراتیک جامعه ماست، که میتواند این وضع را بتدریج تغییر دهد.

ما در همه زمینه ها، در چارچوب همگامی، که با انقلاب داریم، یعنی در چارچوب مبارزه علیه امپریالیسم و برای تأمین آزادی های دمکراتیک و دگرگونی های اجتماعی، باید با چنین پدیده های ارتجاعی، قهقرایی، و انحصار طلبانه و حتی در مواردی فاشیسم گرایانه مقابله کنیم. باید در اتحاد با دیگر نیروها در تصحیح این روشها بکوشیم. مبارزه ضد امپریالیستی جنبه متحد خلق باید همچنان توأم با مبارزه با چنین پدیده هایی باشد. البته در حیطه امکانات ما و در حدودی، که به جهت اصلی مبارزه ما،

های موجود در دانشگاه طیف گسترده ای را تشکیل می دهند که، علیرغم تعلق شان به بخش های گوناگون، در توصیف عمده انقلاب و ضد انقلاب مدافعین انقلاب و جمهوری اسلامی و مخالفین و معاندین آن قرار دارند. تنگ کردن دایره نیروهای هوادار انقلاب به نیروهای متعلق به یک اندیشه خاص، محروم کردن انقلاب از بخش قابل توجهی از نیروهای حامی و مدافع انقلاب است.

ب: جذب نیروی استادان و کادر علمی دانشگاهها

یکی دیگر از پیامدهای تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی کشور، عاطل ماندن بخش قابل توجهی از نیروی ۹ هزار نفری استادان و کادر علمی دانشگاهها و مدارس عالی است. البته مسئولین امر برای بهره گیری از نیروی آنان نیز برنامه های تدوین کردند و حتی همان ابتدا پرسش نامه هایی نیز توزیع شد که از طریق آن می بایست چگونگی همکاری و استفاده از نیروی آنان در بخش های مختلف فنی، درمانی بهداشتی، ترجمه و نشر کتاب و غیره مشخص شود. ولی در این عرصه نیز، به دلایل گوناگون، از جمله ضعف برنامه ریزی، غلبه گزایشی های لیبرالی بر بخشی از اساتید، انحصار طلبی و تنگ نظری و قشری گری در استفاده از نیروهای دیگر... طرح جذب نیرو با عدم کارایی کافی روبرو شد و امکانات فکری و تخصصی آنان در جهت بهره رسانی و کارآ به کار گرفته نشد. این امر باعث آن شد که بخشی از اساتید و کادر علمی بطرف لیبرالها بغلند و نیروی که بالقوه میتوانست - و می تواند - در خدمت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بکار گرفته شود، به نیروی ذخیره لیبرالها علیه رشد و تعمیق انقلاب بدل گردید.

ج: جذب نیروی دبیلیمه های بیکار

در این زمینه نیز دست اندرکاران "انقلاب فرهنگی" در مصاحبه های خویش در آغاز چنین گفتند: "دانش آموزانی که امسال فارغ التحصیل میشوند، حدود ۲۰ هزار نفر هستند. یک سری برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت مدنظر ما هست که از این افراد به کار گرفته خواهند شد. در مورد دبیلیمه های بیکار دیگر یا بطور کلی بیکارهای دیگر هم که در جامعه هستند که زمینه کار برای آنها فراهم

شود. فی الاصل شاخه روابط دانشگاهی و صنایع ملی و فنی که فرضا مسی رود تولید یک کارخانه ای را... بالابورد یا راه می اندازد. برادرهای ما می روند فقط کارخانه را راه اندازی می کنند. چون کارخانه یک ظرفیت محدودی برای پذیرش کارگر دارد. اگر امکانات باشد، ما این برنامه را پیاده بکنیم، بیکارهای جامعه هم به کار گرفته خواهند شد. کمالاتی که چند واحدش راهم شروع کرده ایم برای راه اندازی کارخانه ها. این کارخانه ها که به راه بیفتند می توانند دبیلیمه های بیکار را هم جذب کنند." (مصاحبه با دانشجویان عضو کمیته "جذب نیرو" - اطلاعات ۱۳۵۹/۴/۱)

این سخنان، که دال بر نیات خوب گویندگان آن است، بعدها به دلایل مختلف نتوانست در عمل بطور موثر پیاده شود، چنانکه چهار ماه بعد دانشجویان عضو "ستاد انقلاب فرهنگی" در مصاحبه ای چنین گفتند:

"کمیته ارتباط با صنایع البته هنوز تشکیل نشده، ولی در آینده نزدیک انشاء الله تشکیل می شود." (جمهوری اسلامی، ۵۹/۸/۱)

به نظر ما نه سهل انگاری و احیاناً سستی مسئولین "جذب نیرو"، که مبهم بودن و فقدان برنامه دقیق و واقع بینانه نبودن امکانات کافی انسانی و مادی برای اجرای آن - و از جمله عدم استفاده از بخشی از نیروی کارآمد در این زمینه - بلکه دلیل معیارهای تنگ نظرانه - سونی کارشکنی ضد انقلاب و لیبرالها و عدم قاطعیت و همکاری برخی مسئولین اجرایی از جمله علل این عدم موفقیت است. حال آنکه در شرایط بازگشایی مراکز آموزش عالی، علاوه بر آنکه بخشی از دبیلیمه های پشت کنکور جذب این مرکز خواهند شد، امکان بسیج نیروی قریب به ۲۰۰ هزار نفری دانشجویی و دانشگاهی برای جذب دبیلیمه های بیکار ممکن تر و واقع بینانه تر خواهد بود.

طی مدتی که از تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی می گذرد، به غیر از موارد اندکی که "جهاد دانشگاهی" یا "جهاد سازندگی" از امکانات فنی و آزمایشگاهی این مراکز استفاده کردند و به جز موارد اندکی که برخی پروژه های ناتمام پیگیری شد و با تمام رسید (از جمله در دانشکده پلی تکنیک) استفاده قابل توجهی از امکانات عظیم علمی، فنی و آزمایشگاهی دانشگاهها و مدارس عالی انجام نگرفته است. در حالی که کارگاه

که هم اکنون قریب به ۸ ماه از گفته فوق می گذرد.

یا: ما ما بلیم هر چه می شود تعطیل دانشگاهها را کو تا تو کنیم، یعنی رغبتی به طولانی تر شدن آن نداریم... کوشش هم بر این است که حتی المقدور مدت توقف دانشگاهها کوتاه تر باشد. (دکتر سروش - سخنگوی شورای انقلاب فرهنگی، جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۴/۱۴)

دانشگاهها نمی توانند مدت زیادی تعطیل بمانند. با توجه به اینکه در حال تعطیل دانشگاهها باید تغییر سیستم صورت گیرد، لذا باید خیلی سریع به سازماندهی دانشگاهها بپردازیم تا زودتر دانشگاهها آغاز به کار کنند." (دکتر باهنر - عضو شورای انقلاب فرهنگی، صبح آزادگان ۵۹/۴/۸)

ولی، علیرغم همین گفته های امیدبخش، نه تنها تاکنون چشم انداز گشایش دانشگاهها و مدارس عالی به روشنی ترسیم نگردیده، بلکه گاه اظهار نظرهایی به گوش می رسد که بر ابهام در این امری افزاید و بر فقدان برنامه تصریح می کند:

"این هم که کی بازمی شود، البته تا اول مهر دیگر مافکر می کنیم که دانشگاهها حتماً بسته است و از آن به بعد، یعنی امکان داره یکسری رشتف های فرعی که به برنامه ریزی آنچنانی احتیاج و به اصطلاح نمی خواسته آن خیلی گاریکند و تغییر و تحول کم احتیاج داشته اون را بپوش بپوش شروع به باز شدن می کند و این ادامه پیدا بکنند تا یک مدت بعد که معلوم نیست و دیگر نمی دانیم که پیش بینی بکنیم... مافکر می کنیم علوم انسانی شاید حالا و شاید یکی دو سال هم، به نظر من حداقل سه سال باید تعقیب بشود تا بشود یک تغییری در داخلش داد که به درد کار بخورد." (مصاحبه با چند تن از دانشجویان دست اندرکار "انقلاب فرهنگی" - جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۸/۱)

به نظر ما، این ابهام در چشم انداز گشایش دانشگاهها و بی برنامه گی در شرایطی که انجام هر چه سریع تر آن برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اهمیت حیاتی دارد، نه تنها به امر دگرگونی انقلابی نظام آموزشی خلل بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

### نامه سرگشاده...

بقیه از صفحه ۶  
وارد خواهد ساخت، بلکه پیامد های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی ناگوار و مضری برای انقلاب و مبین انقلابی خواهد داشت.

### چه باید کرد؟

به نظر ما، به منظور دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی، یا آنچه که تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» قریب به ۸ ماه است که در جامعه ما مطرح گردیده، دولت جمهوری اسلامی ایران باید به اقدامات زیرین دست یازد، اقداماتی که حقیقتاً از نیازهای انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران ناشی می شود:

۱- مردمی کردن نظام آموزش عالی، از طریق گسترش شبکه نظام آموزش عالی، رایگان کردن آن و ایجاد تسهیلات لازم برای فرزندان خانواده های انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران ناشی می شود:

۲- مبداء مردمی کردن نظام آموزش عالی، از طریق گسترش شبکه نظام آموزش عالی، رایگان کردن آن و ایجاد تسهیلات لازم برای فرزندان خانواده های انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران ناشی می شود:

۳- طرح ایجاد رشته های کوتاه مدت تربیت متخصصین اعلام شود و پس از ادغام دانشکده ها و رشته هایی که به صورت فعلی به وجودشان نیازی نیست، رشته های فوق کار خود را آغاز کنند.

۴- همانطور که آقای دکتر شریعتمداری، عضو «شورای انقلاب فرهنگی» نیز در مصاحبه ۱۶/۱۱/۵۹ با روزنامه جمهوری اسلامی بیان کرده است، برنامه آموزشی پیشنهادی شورا به نظر خواهی عموم، بویژه دانشجویان و دانشگاہیان، گذارده شود.

خوشبختانه اخیراً سخنان امیدبخشی دال بر گشایش هرچه زودتر دانشکده های پزشکی و تربیت معلم ابراز شده، که ما صمیمانه از آن استقبال میکنیم.

آقای رجایی، نخست وزیر، در پایان جلسه مشترک با ۵ تن از اعضای «ستاد انقلاب فرهنگی» اعلام داشت:

«هر یک از بخش های تحصیلی و دانشگاهی که تکلیف آنها روشن شود، دانشکده آن شروع بکار خواهد کرد و احتمالاً دانشکده های مانند پزشکی زودتر از سه ماه آینده کار خود را شروع خواهد کرد... و دولت تمام امکانات خود را در خدمت ستاد انقلاب فرهنگی قرار می دهد تا بقیه بخش هایی که به نتیجه نهایی نرسیده اند، آنها هم به نتیجه نهایی برسند.»

آقای دکتر شریعتمداری، عضو «شورای انقلاب فرهنگی» نیز، در مصاحبه ای اعلام داشت که:

«همه ما تلاش داریم که هرچه زودتر در رشته های اساسی برنامه ریزی به پایان برسد و نحوه انتخاب دانشجویان روشن شود... امیدواریم که به محض اینکه کارهای مقدماتی انجام شده، در باز شدن آن رشته اقدام کنیم.» (جمهوری اسلامی، ۱۶/۱۱/۵۹).

این سخنان، که از تأکید هرچه بیشتر بر لزوم بازگشایی هرچه سریع تر دانشکده ها و حمایت دولت از این امر حکایت میکند، امیدبخش است، و ما امیدواریم که این امر بر مبنای نیازها و ضروریات انقلاب شکوهمند مردم ایران تحقق پذیرد.

ما در همین حال به این فراخوان که:

«از همه مردم دعوت میکنیم که بیایند و نظرات خودشان را بدهند و اعلام همکاری کنند و در جلسات و در کمیته ها و در سمینارها و در این مجالل شرکت کنند.» (دکتر باهنر جمهوری اسلامی، ۲۶/۱۳۵۹).

۳- دگرگونی برنامه درسی مترقی و دگرگونی و مبتنی بر نیازهای جامعه، فارغ از هرگونه تأثیر نظام آموزشی نواستعماری، به منظور تربیت یک نسل متخصص و متعهد.

د) ایجاد ارتباط بین نهادهای انقلابی - چون جهادسازندگی، نهضت سوادآموزی و... - با دانشکده ها، پنحوی که از نیروی همه دانشجویان، درجوار تحصیل، به منظور بازسازی کشور استفاده شود.

۳- دگرگونی برنامه درسی مترقی و دگرگونی و مبتنی بر نیازهای جامعه، فارغ از هرگونه تأثیر نظام آموزشی نواستعماری، به منظور تربیت یک نسل متخصص و متعهد.

د) ایجاد ارتباط بین نهادهای انقلابی - چون جهادسازندگی، نهضت سوادآموزی و... - با دانشکده ها، پنحوی که از نیروی همه دانشجویان، درجوار تحصیل، به منظور بازسازی کشور استفاده شود.

۳- دگرگونی برنامه درسی مترقی و دگرگونی و مبتنی بر نیازهای جامعه، فارغ از هرگونه تأثیر نظام آموزشی نواستعماری، به منظور تربیت یک نسل متخصص و متعهد.

د) ایجاد ارتباط بین نهادهای انقلابی - چون جهادسازندگی، نهضت سوادآموزی و... - با دانشکده ها، پنحوی که از نیروی همه دانشجویان، درجوار تحصیل، به منظور بازسازی کشور استفاده شود.

۳- دگرگونی برنامه درسی مترقی و دگرگونی و مبتنی بر نیازهای جامعه، فارغ از هرگونه تأثیر نظام آموزشی نواستعماری، به منظور تربیت یک نسل متخصص و متعهد.

د) ایجاد ارتباط بین نهادهای انقلابی - چون جهادسازندگی، نهضت سوادآموزی و... - با دانشکده ها، پنحوی که از نیروی همه دانشجویان، درجوار تحصیل، به منظور بازسازی کشور استفاده شود.

۳- دگرگونی برنامه درسی مترقی و دگرگونی و مبتنی بر نیازهای جامعه، فارغ از هرگونه تأثیر نظام آموزشی نواستعماری، به منظور تربیت یک نسل متخصص و متعهد.

د) ایجاد ارتباط بین نهادهای انقلابی - چون جهادسازندگی، نهضت سوادآموزی و... - با دانشکده ها، پنحوی که از نیروی همه دانشجویان، درجوار تحصیل، به منظور بازسازی کشور استفاده شود.

۳- دگرگونی برنامه درسی مترقی و دگرگونی و مبتنی بر نیازهای جامعه، فارغ از هرگونه تأثیر نظام آموزشی نواستعماری، به منظور تربیت یک نسل متخصص و متعهد.

### لایحه قصاص...

بقیه از صفحه ۱  
اختیار دارد.

روزگاری جامعه اولیه هرگز نمیگفت، تا با ایجاد رعب و هراس، مانع از گسترش بزهرکاری شود.

این شیوه ابتدائی مقابله با جرم و جنایت، با بای تحولات اقتصادی و اجتماعی، جای خود را به بررسی علل بزهرکاری و مبارزه با این علل داد. جوامع پیشرفته به این نتیجه منطقی رسیدند که قبل از آنکه بفکر قصاص و انتقام بود، باید امنیت اقتصادی، اجتماعی و قضائی برای افراد جامعه تامین کرد.

باید فرهنگ و آموزش جامعه را متحول ساخت، و در این شرایط نوین، اگر فردی مرتکب بزه علیه دیگری شد، به بررسی علل اقتصادی - اجتماعی جرم و کشف ریشه های اخلاقی و روانی مجرم پرداخت و سپس، از طریق دادگاههای صالح، به تجدید تربیت مجرم همت گماشت.

جامعه بشری، در مسیر دگرگونیهای بنیادی خود، باین نتیجه منطقی رسید که قوانین جزا و سیستم مجازات را از بن دگرگون سازد، تا کیفی مجرم جنبه انتقامجویی نداشته باشد، بلکه به تربیت مجرم و هدایت و ارشاد او کمک کند. این اصل منطقی در مورد بسیاری از جرائم خصوصی، یعنی ارتکاب جرم نسبت به فرد پذیرفته شد و آنجا که مسئله جنایت نسبت به کل جامعه مطرح است، مانند توطئه و کودتا علیه یک نظام خلقی، شکنجه و ایداء میهن دوستان توسط یک نهاد ضدانقلابی، برافروختن نافر جنگ توسط یک گروه سلطه گر، که کشوری، مردمی و دنیائی را به خاک و خون میکشد، پادشاه مرگ یا جسدای سنگین برای این جنایتکاران، همچنان بهترین کیفی شناخته شده است.

دین اسلام، که دین برابری انسانها و دفاع از حقوق مستضعفان جامعه است، هرگز ستم و تبعیض را نمی پذیرد، هرگز اجازه نمیدهد که زن بعنوان یک مسووع وجودی مورد تبعیض قرار گیرد و ثوری فاشیستی «ژن برای بچه دادن و آشپزخانه و کلیسا» در جامعه انقلابی ما تحقق پذیرد.

اسلام که تأکید میکند بر فرزندان خود را برای دوران خود تربیت کنند و بدینسان به شرایط زمان و مکان توجه کافی دارد، هرگز اجازه نمیدهد که قوانین و سنتی را احیا کنیم که اگر در جوامع ابتدائی بشری مفید و کارساز بوده اند، برای امروز مضرند و اجرای آن قوانین و آن سنن چهره ای از جمهوری جوان ما در جهان ترسیم خواهند کرد، که فقط بسود دشمنان انقلاب، یعنی امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب برورده اش خواهد بود.

این یادآوری ضرور است که از نخستین روزهای پیروزی، امپریالیسم و ارتجاع جهانی به سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب برورده اش، که از حاکمیت روحانیت مبارز پیرو خط امام

پاسخ مثبت میدهم و درعین اراشه نظریات، انتقادات و پیشنهادهای سازنده مان، آمادگی خود را برای همکاری های بیدریغ و درجهت تحقق هرچه موثرتر

خواستهای فوق هدفهای مشترکمان در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی، اعلام میداریم.

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

خواستهای فوق هدفهای مشترکمان در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی، اعلام میداریم.

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

خواستهای فوق هدفهای مشترکمان در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی، اعلام میداریم.

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

خواستهای فوق هدفهای مشترکمان در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی، اعلام میداریم.

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

خواستهای فوق هدفهای مشترکمان در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی، اعلام میداریم.

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

خواستهای فوق هدفهای مشترکمان در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی، اعلام میداریم.

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

خواستهای فوق هدفهای مشترکمان در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی، اعلام میداریم.

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

خواستهای فوق هدفهای مشترکمان در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی، اعلام میداریم.

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

خواستهای فوق هدفهای مشترکمان در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی، اعلام میداریم.

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

خواستهای فوق هدفهای مشترکمان در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی، اعلام میداریم.

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

خواستهای فوق هدفهای مشترکمان در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی، اعلام میداریم.

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

خواستهای فوق هدفهای مشترکمان در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی، اعلام میداریم.

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

### دشمن واقعی، آمریکای...

بقیه از صفحه ۱

بر سر کار آمد، آمریکا برای رسیدن به همان استراتژی خودش که باید دولت میانه روی بر سر کار بیاید که ناسیونالیستهای مخالف روحانیت در آن دولت حداکثر را داشته باشند، با دیدن زمینه های مناسبی طریقه نفوذ در دولت موقت را در خدمت و سرلوحه خود قرار داد و امیران نظام ها و سایرین را در بقل دولت موقت کاشت. اسناد لانه جاسوسی، این حرکت انقلابی بزرگی که پشت آمریکا را شکست همه حاکی از همین مسئله است. وی افزود: «جاسوس سفارتخانه آمریکا، امیران نظام می گوید که عادی کردن روابط ایران و آمریکا باید به آهستگی پیش برود تا سوء ظن کسانی را که نظر خوبی نسبت به آمریکا ندارند برنیزکند و حتما منظورشان این بود که اگر برانگیزد، در کار ما دخالت می کنند و نمی گذارند که ما با برزیل همکاری کنیم. آری اینچنین است، ملتی که خون داده و شهید داده، چگونه می تواند به افرادی که چنین می توانند زمینه ساز حکومت آمریکا باشند، بعد از ۱۴ قرن تلاش، زحمت، شکنجه، اسارت، بعد از ۱۴ قرن انتظار، الان ملت ما اجازه بدهد به اینکه زمینه های آمدن یک حکومت و یک دولت وجیه الملهای که منافع آمریکا را تضمین کند (فراهم شود) ملت ما قطعاً چنین اجازتهای به این افراد نخواهد داد.

وی سپس با اشاره به درخواست کمک پنی عامری، رئیس شاخه نظامی کودتا از آمریکا، برای انجام کودتا در همان دوران دولت موقت گفت: «(آمریکا) به او می گوید که ما از اینکه بروی سازمانی درست کنی برای آینده، جلویت را نمی گیریم. اما فعلاً سیاست ما اینست که می خواهیم روابطمان را عادی بکنیم با دولت موقت.»

عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران، سپس به ادامه توطئه امپریالیسم جنایتکار آمریکا در جهت مسخ انقلاب و نیز حمله و هجوم نظامی به جمهوری اسلامی ایران، اشاره کرد و توطئه بروی کارآوردن یک دولت میانه رو در ایران بر پایه دامن زدن به تشنجات و ناآرامی ها را افشاء کرد.

وی آنگاه به جنگ تجملی عراق به ایران که ادامه همان توطئه های آمریکاست اشاره کرد و تأکید کرد: «امروز مسئله ما، مسئله جنگ است. امروز مسئله ما آمریکاست و این است که باید با تمام قدرت در میدان باشیم. وی سپس به فروش اسلحه آلمان به رژیم ارتجاعی عربستان و آغاز مانور نظامی کشورهای مرتجع منطقه با آمریکای جنایتکار اشاره کرد و از جمله تأکید کرد که دشمن اصلی شما، جنگ با آمریکاست.»

سپس حجت الاسلام خامنه ای امام جمعه تهران به ایراد خطبه های نماز پرداخت و ضمن هشدار در مورد فعالیت اخلاک گرانه افرادی که اجتماع روز پنجشنبه را به درگیری کشاندند، از مردم خواست که در اثنای خطبه ها سکوت کنند. وی افزود: «در پایان مراسم هر شعار تفرقه انگیز بسود آمریکا است و هر فریادی که مردم را به هیجان بیاورد و دشمنی آنها را بجای آمریکا و عناصر مزدورش به داخل ملت متوجه کند، فریاد شیطان است. امام جمعه تهران در مورد شعارها گفت: «جز شعار توحید و جز شعار نفرت از آمریکای غدار و هر چه در این مضمون باشد، نباید داده شود.»

حجت الاسلام خامنه ای در خطبه اول نماز، ضمن هشدار درباره فعالیت عمال ضدانقلاب برای جلوگیری از روند بازسازی و سازندگی کشور، گفت: «هر کسی که مردم را برای برطرف کردن نابسامانیها به اغصاب دعوت کند، به این مردم و به این انقلاب خیانت کرده است. امام جمعه تهران تأکید کرد که: «اسلام می گوید فریاد هایتان را علیه آمریکای جبار بکشید.»

حجت الاسلام خامنه ای، در خطبه دوم ضمن اشاره به درگیریهای روز پنجشنبه از جمله تذکر داد: «در شعارها، دشمن واقعی فراموش نشود، دشمن واقعی آمریکای جنایتکار است، همه این بساطها زیر سر اوست. همه این تفرقه انگیزیها بازی شیطان است.»

امام جمعه تهران سپس با اشاره به فداکاریها و جانفشانیهای رزمندگان انقلاب در کمیته ها و سپاه پاسداران برای نگاهداری انقلاب و دستاوردهای آن گفت: «شرم و ننگ بر آن عناصری باد که زحمات بیدریغ پاسداران کمیته در این دو سال و مخصوصاً در روزهای بعد از انقلاب را فراموش می کنند.»

در مراسم نماز جمعه دیروز، انبوه عظیم نمازگزاران برای چندمین بار ضرورت ادامه مبارزه قاطع با آمریکای جنایتکار و عوامل داخلی و خارجییش را در شعارهای «مرگ بر آمریکا، مرگ بر ریگان» فریاد کردند و پیمان بستند که همچون گذشته در میدان نبرد با دشمن اصلی انقلاب حضور فعال داشته باشند.

حجت الاسلام خامنه ای، در خطبه دوم ضمن اشاره به درگیریهای روز پنجشنبه از جمله تذکر داد: «در شعارها، دشمن واقعی فراموش نشود، دشمن واقعی آمریکای جنایتکار است، همه این بساطها زیر سر اوست. همه این تفرقه انگیزیها بازی شیطان است.»

امام جمعه تهران سپس با اشاره به فداکاریها و جانفشانیهای رزمندگان انقلاب در کمیته ها و سپاه پاسداران برای نگاهداری انقلاب و دستاوردهای آن گفت: «شرم و ننگ بر آن عناصری باد که زحمات بیدریغ پاسداران کمیته در این دو سال و مخصوصاً در روزهای بعد از انقلاب را فراموش می کنند.»

در مراسم نماز جمعه دیروز، انبوه عظیم نمازگزاران برای چندمین بار ضرورت ادامه مبارزه قاطع با آمریکای جنایتکار و عوامل داخلی و خارجییش را در شعارهای «مرگ بر آمریکا، مرگ بر ریگان» فریاد کردند و پیمان بستند که همچون گذشته در میدان نبرد با دشمن اصلی انقلاب حضور فعال داشته باشند.

حجت الاسلام خامنه ای، در خطبه دوم ضمن اشاره به درگیریهای روز پنجشنبه از جمله تذکر داد: «در شعارها، دشمن واقعی فراموش نشود، دشمن واقعی آمریکای جنایتکار است، همه این بساطها زیر سر اوست. همه این تفرقه انگیزیها بازی شیطان است.»

امام جمعه تهران سپس با اشاره به فداکاریها و جانفشانیهای رزمندگان انقلاب در کمیته ها و سپاه پاسداران برای نگاهداری انقلاب و دستاوردهای آن گفت: «شرم و ننگ بر آن عناصری باد که زحمات بیدریغ پاسداران کمیته در این دو سال و مخصوصاً در روزهای بعد از انقلاب را فراموش می کنند.»

در مراسم نماز جمعه دیروز، انبوه عظیم نمازگزاران برای چندمین بار ضرورت ادامه مبارزه قاطع با آمریکای جنایتکار و عوامل داخلی و خارجییش را در شعارهای «مرگ بر آمریکا، مرگ بر ریگان» فریاد کردند و پیمان بستند که همچون گذشته در میدان نبرد با دشمن اصلی انقلاب حضور فعال داشته باشند.

حجت الاسلام خامنه ای، در خطبه دوم ضمن اشاره به درگیریهای روز پنجشنبه از جمله تذکر داد: «در شعارها، دشمن واقعی فراموش نشود، دشمن واقعی آمریکای جنایتکار است، همه این بساطها زیر سر اوست. همه این تفرقه انگیزیها بازی شیطان است.»

امام جمعه تهران سپس با اشاره به فداکاریها و جانفشانیهای رزمندگان انقلاب در کمیته ها و سپاه پاسداران برای نگاهداری انقلاب و دستاوردهای آن گفت: «شرم و ننگ بر آن عناصری باد که زحمات بیدریغ پاسداران کمیته در این دو سال و مخصوصاً در روزهای بعد از انقلاب را فراموش می کنند.»

در مراسم نماز جمعه دیروز، انبوه عظیم نمازگزاران برای چندمین بار ضرورت ادامه مبارزه قاطع با آمریکای جنایتکار و عوامل داخلی و خارجییش را در شعارهای «مرگ بر آمریکا، مرگ بر ریگان» فریاد کردند و پیمان بستند که همچون گذشته در میدان نبرد با دشمن اصلی انقلاب حضور فعال داشته باشند.

حجت الاسلام خامنه ای، در خطبه دوم ضمن اشاره به درگیریهای روز پنجشنبه از جمله تذکر داد: «در شعارها، دشمن واقعی فراموش نشود، دشمن واقعی آمریکای جنایتکار است، همه این بساطها زیر سر اوست. همه این تفرقه انگیزیها بازی شیطان است.»

امام جمعه تهران سپس با اشاره به فداکاریها و جانفشانیهای رزمندگان انقلاب در کمیته ها و سپاه پاسداران برای نگاهداری انقلاب و دستاوردهای آن گفت: «شرم و ننگ بر آن عناصری باد که زحمات بیدریغ پاسداران کمیته در این دو سال و مخصوصاً در روزهای بعد از انقلاب را فراموش می کنند.»

در مراسم نماز جمعه دیروز، انبوه عظیم نمازگزاران برای چندمین بار ضرورت ادامه مبارزه قاطع با آمریکای جنایتکار و عوامل داخلی و خارجییش را در شعارهای «مرگ بر آمریکا، مرگ بر ریگان» فریاد کردند و پیمان بستند که همچون گذشته در میدان نبرد با دشمن اصلی انقلاب حضور فعال داشته باشند.

### گفتگوهای...

بقیه از صفحه ۱

همین مقام یادآور شده است که: «یکراز واقعیت هایی که در این بررسی باید به آن توجه داشت آنستکه، پاکستان تنها راه دریایی در دسترس است که به مرز افغانستان منتهی میشود.»

بگفته مقام وزارت خارجه آمریکا، موشکهای زمین به هوا، از جمله سلاحهایی است که مورد علاقه مبارزان افغانی است. آنها، در این زمینه، از انواع موشک های نام برده اند که از سوی آمریکا در اختیار رژیم سادات مشغولیم.

«ما به بررسی دقیق و فوری سیاست خود در برابر پاکستان می پردازیم. آمریکا در اختیار رژیم سادات گذاشته شده است.»

سلاح سخن گفته است. بگفته وی، سفیر ایالات متحده آمریکا در پاکستان، آرتور هامل، نیز برای شرکت در این مذاکرات به واشنگتن فراخوانده شده است. یکی از مقامات عالی رتبه وزارت خارجه آمریکا خاطر نشان ساخت که:

«ما به بررسی دقیق و فوری سیاست خود در برابر پاکستان می پردازیم. آمریکا در اختیار رژیم سادات گذاشته شده است.»

سلاح سخن گفته است. بگفته وی، سفیر ایالات متحده آمریکا در پاکستان، آرتور هامل، نیز برای شرکت در این مذاکرات به واشنگتن فراخوانده شده است. یکی از مقامات عالی رتبه وزارت خارجه آمریکا خاطر نشان ساخت که:

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در لنگرود:

ضد انقلاب بنام سپاه پاسداران توطئه می کند

ما از مقامات مسئول می‌خواهیم که هرچه زودتر ضدانقلابیونی را که با پوشیدن لباس پاسداران به فعالیت‌های تخریبی می‌پردازند، دستگیر و خلع سلاح کنند و تحت تعقیب و مجازات قرار دهند.

پس از ذکر مقدمه‌ای در مورد فداکاریها و جانبازیهای سپاه پاسداران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، افرادی که با پوشیدن لباس پاسداران به ضرب و شتم و بازداشت بدون مجوز قانونی مردم می‌پردازند، افساء شده‌اند:

«طبق اصل ۴۴ قانون اساسی هیچ کس را بدون مجوز قانونی حتی نیروهای نظامی نمیتواند بازداشت کنند، چه رسد به اینکه گروهی یا فردی که مشروعیت قانونی ندارد، کسی را بازداشت یا دستگیر کند... پوشیدن لباس سپاه و انجام دادن عملی خلاف شئون سپاه، زمینه تبلیغات سوء برای چه کسی خواهد بود. آیا این اعمال جهت از بین بردن حیثیت سپاه نیست؟ آیا این توطئه علیه سپاه نیست؟»

این اشخاصی، که طبق اعلامیه سپاه پاسداران بدرستی قصدی غیر از توطئه علیه انقلاب ایران و نهادهای آن از جمله سپاه پاسداران ندارند، بامعرفی کردن خود بعنوان مرجع قانونی و تصمیم گیرنده، به دهپا عمل ضدانقلابی دست زده‌اند، که برخی از آنها شرح زیر است:

★ جلوگیری از فعالیت گروههای مدافع انقلاب ایران، از جمله هواداران حزب توده ایران، در زمینه کارهای تبلیغاتی در سطح شهر،

★ ممانعت از عرضه نشریات قانونی، از جمله نامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران،

★ ضرب و جرح و دستگیری غیرقانونی هواداران حزب توده ایران در موقع چسباندن پوسترها و مطالب در دفاع از انقلاب...

★ پاره نمودن نمایشگاههایی که در جهت شناساندن توطئه‌های امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا «شیطان بزرگ» و پایگاههای داخلی آنها، سرمایه داران

«شیاطین درصددند که هر یک از نهادهای اسلامی را لکه دار بکنند. دستهای خائنین در کار است. اگر در این نهاد یک کارهایی برخلاف موازین انجمن بگیرد، فرصت دست بدخواهان می افتد و در بوق و کرنا این مطلب را بزرگ می کنند...» (امام خمینی)

امپریالیسم جنایتکار آمریکا، در ادامه توطئه‌های خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و طرح دسایس گوناگون، سرانجام مبین انقلابی ما را با تهاجم صدام تکریتی مواجه کرد. اما مقاومت و جانبازی مردم قهرمان، سربازان، سپاهیان پسانساز و گروههای بسیج مردمی این بار هم توانست این نقشه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، را باشکست روبرو کند.

اما ضدانقلاب با استفاده از این جنگ تحمیلی درصدد برهم زدن امنیت ماست. ایجاد و دامن زدن به درگیریها و تشنجات سیاسی، راهزنی، زدنی، حمله در معابر عمومی به مردم و... به منظور بهره برداری سیاسی انجام می گیرد و هدفی غیر از آماده کردن زمینه برای زدن ضربه نهائی ندارد. آخرین نمونه فعالیت ضدانقلاب در سطح شهرها و خیابانها را میتوان بصورت ضدانقلابیونی دید که با سوءاستفاده از لباس پاسداران و یا جعل کارت ارگانهای انقلاب، به خرابکاری مشغولند.

اخیرا روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لنگرود، اطلاعیه‌ای در سطح شهر پخش کرده است. در این اطلاعیه،

شوخی نیست...!

فریدون تنکابنی

همزبانی!

پیش از انقلاب:

ملت: مرگ بر آمریکا و انگلیس! آمریکا و انگلیس: مرگ بر توده‌ای! ملت: مرگ بر کودتاچیان ۲۸ مرداد! کودتاچی: مرگ بر توده‌ای! ملت: مرگ بر شاه! شاه: مرگ بر توده‌ای! ملت: مرگ بر ساواکی! ساواکی: مرگ بر توده‌ای! پس از انقلاب:

ملت: مرگ بر آمریکا! آمریکا: مرگ بر توده‌ای! ملت: مرگ بر کارتر! کارتر: مرگ بر توده‌ای! ملت: مرگ بر ریگان! ریگان: مرگ بر توده‌ای! ملت: مرگ بر اسرائیل! اسرائیل: مرگ بر توده‌ای! ملت: مرگ بر صدام! صدام: مرگ بر توده‌ای! ملت: مرگ بر بختیار! بختیار: مرگ بر توده‌ای! ملت: مرگ بر اویسی! اویسی: مرگ بر توده‌ای! خلق کرد: مرگ بر قاسملو! قاسملو: مرگ بر توده‌ای! کارگر: مرگ بر سرمایه دار! سرمایه دار: مرگ بر توده‌ای! دهقان: مرگ بر فئودال! فئودال: مرگ بر توده‌ای! خریدار: مرگ بر محتکر! محتکر: مرگ بر توده‌ای! مستضعف: مرگ بر مستکبر! مستکبر: مرگ بر توده‌ای! در میتینگ پیروان خط برژینسکی

حزب اللهی‌ها: مرگ بر لیبرال! ساواکی‌ها: مرگ بر توده‌ای! حزب اللهی‌ها: مرگ بر آمریکا! رنجبری‌ها و لیبرال‌ها: مرگ بر توده‌ای! فدائیان اسلام: اسلام پیروز است! لیبرال‌ها: مرگ بر توده‌ای! حزب اللهی‌ها: لیبرال، توده‌ای، چماقدار پیوندتان مبارک! لیبرال‌ها، ساواکی‌ها، رنجبری‌ها: چماقدار، توده‌ای پیوندتان مبارک!

نتیجه:

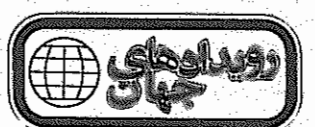
ییت ۱: وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کفاری است رنجیدن! ییت ۲: کسر بدی گفت حسودی و رفیقتی رنجید گو تو خوش باش که ما گوش به‌احق نکنیم! ییت ۳: در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان، غم مخور!

سازمان ملل متحد علیه رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی

اکثر اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضرورت وضع مجازاتهای جامع علیه آفریقای جنوبی را بعنوان موثرترین وسیله ایراد فشار بر این رژیم جنایتکار، بمنظور قطع اشغال نامی یا ازسوی اقدام، که در منشور سازمان ملل متحد منظور شده، پشتیبانی کردند.

دریست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ۳۵ زن، ۳۲ کارگر، ۱۴ کشاورز به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شدند

شوروی کارگر و ۱۴ تن کشاورزند. رفیق لتویند برژنف یار دیگر به مقام دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انتخاب شد.



تمرین محاصره کامل نظامی ایران و تسخیر تنگه هرمز در آمریکا

در پایگاه نظامی فولبراک در ایالت کبیرولینای شمالی آمریکا، تمرینی نظامی با نام رمز «جرالدایت» برگزار شد.

روزنامه «واشنگتن استار» خبر میدهد که مقدمات این تمرینات توسط فرماندهی آمادگی جنگی تدارک دیده شده بود، که مسئول حمل ۳۲۵ هزار نظامی آمریکائی به خاور نزدیک در صورت بروز «بحران» در این منطقه است. در جریان عملیات یادشده، تمرینات مربوط به محاصره کامل نظامی ایران و تسخیر تنگه هرمز نیز به اجرا درآمد.

تقویم سال نو ۱۳۶۰ منتشر شد

در عملیات نیروی...

بقیه از صفحه ۱

با پایان گرفتن کار کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی، انتخاب اعضای کمیته مرکزی جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی برای ۴ سال آینده نیز پایان رسید. در این انتخابات، ۳۱۹ تن به عضویت کمیته

همچنین هواپیماهای متجاوز ارتش عراق که قصد حمله به آبادان را داشتند بر اثر آتش پدافند هوایی مجبور به فرار شدند. در بامداد دیروز (پنجشنبه) جانیازان نیروی دریائی ارتش

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران. دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی. خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست. NAMEH MARDOM No. 461 7 March 1981. Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr. خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند: صندوق پستی ۱۴ پستی تهران ۱۳۵۵۱، منطقه